

عهد النبى ، صلعم . كتاب تسمية المناقین و من نزل القرآن فيه منهم و من غيرهم . كتاب تسمية الذين يؤذون النبى صلعم و تسمية المستهزئين الذين جعلوا القرآن عزين . كتاب رسائل النبى صلعم^۱ . كتاب كتب النبى صلعم الى الملوك . كتاب ايات النبى صلعم (كتاب فتوح النبى) . كتاب صلح النبى صلعم . كتاب خطب النبى عليه السلام . كتاب عهد النبى صلعم (يکى ديگر) . كتاب المغازى .

ابوالحسن بن كوفى عقیده دارد که این کتاب در هشت جزء بخط عباس سايس^۲ بر پوست نوشته شده و نزد خود او میباشد . و در زیر همین فصل در جای دیگر اظهار عقیده کرده است که در دو جزء بوده و تألیف احمد بن حارث خزار است .

كتاب سرايا النبى صلعم . كتاب الوفود - مشتمل بر وفود : يمن ، وفود مصر ، وفود ربيعة . كتاب دعاء النبى صلعم . كتاب خبر^۳ الافك . كتاب ازواج النبى صلعم . كتاب السرايا . كتاب عمال النبى على الصدقات . كتاب مانهى عنه النبى صلعم . كتاب حجة ابى بكر الصديق رضى الله عنه . كتاب خطب النبى صلعم (كتاب اخبار النبى) . كتاب الخاتم والرسل . كتاب من كتب له النبى صلعم كتاباً و اماناً . كتاب اموال النبى و كتابه و من كان يرد عليه الصدقة^۴ من (قريش) العرب .

اخبار قريش

كتاب نسب قريش و اخبارها . كتاب العباس بن عبدالمطلب . كتاب اخبار ابيطالب و ولده . كتاب خطب على عليه السلام^۵ . كتاب عبد الله بن العباس . كتاب على بن عبد الله بن العباس . كتاب آل ابى العاص . كتاب ابى العيص . كتاب خبر الحكم ابن ابى العباس . كتاب عبد الرحمن بن سمرة . كتاب ابن ابى عتيق . كتاب عمرو بن الزبير . كتاب فضائل محمد بن الحنفية . كتاب فضائل جعفر بن ابيطالب . كتاب فضائل الحارث بن عبدالمطلب . كتاب فضائل عبد الله بن جعفر . كتاب معاوية بن عبد الله . كتاب عبد الله بن معاوية . كتاب (امر) محمد بن على بن عبد الله بن عباس . كتاب العاص بن اميه . كتاب عبد الله بن عامر بن كريز . كتاب بشر بن مروان بن الحكم . كتاب عمر بن عبد الله بن معمر . كتاب هجاء حسان لقريش . كتاب فضائل قريش . كتاب عمرو بن سعيد بن العاص . كتاب يحيى بن عبد الله بن الحارث . كتاب اسماء من قتل من الطالبين . كتاب اخبار زياد بن ابىه^۶ كتاب مناكح زياد و ولده و دعوته . كتاب الجوابات . كه مشتمل است بر : جوابات قريش ، جوابات مضر . جوابات ربيعة ، جوابات موالى ، جوابات يمن .

۱- جب (عليه السلام) .

۲- ف (الناسى) .

۳- ف (خبر) .

۴- ف (بالصدقة) .

۵- ف (اميه) .

۶- ف (النبى صلعم) .

کتابهای او در اخبار زنهای

اشراف و اخبار زنان

کتاب الصداق. کتاب الولائم. کتاب المناکح. کتاب النواکح والنواشز. کتاب المعبرات
کتاب المقینات^۱. کتاب المتردفات^۲. کتاب من جمع بین اختین و من تروج ابنت^۳ امراته
و من جمع اکثر من اربع و من تزوج مجوسیه. کتاب من کره مناکحته. کتاب من میل
عنها زوجها. کتاب من نهیت عن تزویج رجل فزوجته. کتاب من تروج من الاشراف من کلب.
کتاب من هجاها زوجها. کتاب من شکت زوجها اوشکاها. کتاب مناقضات الشعراء و اخبار
النساء. کتاب من تزوج، فی ثقیف من قریش. کتاب الفاطمیات. کتاب من وصف امرأة
فاحسن. کتاب الکلبیات کتاب العواتک^۴. کتاب مناکح الفرزدق. کتاب البکر. کتاب من
تزوج من نساء الخلفاء.

در اخبار خلفاء

کتاب تسمیه الخلفا و کناهم و اعمارهم. کتاب تاریخ اعمار الخلفاء. کتاب تاریخ الخلفاء.
کتاب حلی الخلفا. کتاب اخبار الخلفا الکبیر - مشتمل بر اخبار: ابوبکر، عمر، عثمان،
علی علیه السلام، معاویه، یزید بن معاویه، معاویه، ابن زبیر، مروان بن حکم، عبدالملک، ولید،
سلیمان، عمر، یزید بن عبدالملک. هشام بن عبدالملک، ولید بن یزید. یزید بن ولید،
سفاح، منصور، مهدی، هادی، رشید، امین (وشورش)، مأمون، و معتصم. کتاب اخبار السفاح.
کتاب آداب السلطان.

کتابهای او در وقایع

کتاب مقتل عثمان رضی الله عنه. کتاب الجمل. کتاب الردة. کتاب الفارات. کتاب
الخوارج. کتاب النهروان. کتاب خیر ضابی بن الحارث البرجمی. کتاب توبة بن مضر^۵
کتاب بنی ناجیه و الحریث بن راشد و مصقلة بن هبیره. (کتاب مختصر الخوارج) کتاب خطب
علی علیه السلام و کتبه الی عماله. کتاب عبدالله بن عامر الحضرمی. کتاب اسمعیل بن هبار.
کتاب عمرو بن الزبیر. کتاب مرج راهط. کتاب الربدة و مقتل خنیش^۶. کتاب اخبار الحجاج

۱- ف (المغنیات) و مقینه بمعنی مشاط است (ر.ک. فرهنگ نفیسی).

۲- ف (المتردفات). ۳- ف (ابنه). ۴- ف (العوائل).

۵- ف (المضرس). ۶- ف (حبیش).

و وفاته. کتاب عباد بن الحصین. کتاب حره راقم^۱. کتاب ابن الجارود و روشنقباد^۲. کتاب مقتل عمرو بن سعید (بن العاص). کتاب زیاد بن عمرو بن اشرف العتکی^۳. کتاب خلاف^۴ عبد الجبار - الازدی و مقتله^۴. کتاب سلم^۵ بن قتیبه و روح بن حاتم. کتاب مقتل یزید بن عمرو بن هبیره. کتاب (المسور) بن عمر بن عباد الحبطی و عمرو بن سهیل. کتاب یوم سنبل.

کتابهای او در فتوحات

کتاب فتوح الشام ایام ابی بکر : اول خبر شام ، مرج الصقر ایام ابوبکر : خبر بصری ، خبر باقوصه^۶ ، خبر دمشق ؛ ایام عمر : خبر قحل ، خبر یرموک ، حمص ، الیا^۸ قیساریه ، عسقلان ، غزه ، قبرس.

کتاب فتوح العراق : خبر جسر ، خبر مهران و کشته شدن او در روز نخيله ، خبر قادیسیه ، مدائن ، جلولاء ، نهاوند .

کتاب البصرة و فتوحها - مشتمل بر : دستمیسان ، ولایت مغیره بن شعبه ، ولایت ابو موسی اشعری ، خبراهواز ، خبر مناذر ، خبر شهر تیری ، خبر سوس ، خبر تستر^۹ خبر قلعه ، خبر هرمزان ، خبر ضبة بن محسن ، خبر جندیسابور ، خبر صهر تاح^{۱۰} ، قریه عبیدی ، خبر سرق (خبر مهر جانقذق ، خبر ماسندان ، خبر قلعه سرق) ، خبر راهرمز ، خبر بیهان . کتاب الاساوره^{۱۱} .

کتاب فتوح خراسان - مشتمل بر : ولایت جنید بن عبدالرحمن ، رافع بن لیث بن نصر بن سیار ، اختلاف روایات در خبر قتیبه در خراسان . کتاب نوا در قتیبه بن مسلم (بخراسان) . کتاب ولایة اسد بن عبدالله القسری . کتاب ولایة نصر بن سیار . کتاب الدولة . کتاب ثغر الهند . کتاب عمال الهند . کتاب فتوح سجستان . کتاب فارس . کتاب فتح الابله . کتاب اخبار ارمینیه . کتاب کرمان . کتاب فتح زابل و زابلستان^{۱۲} . کتاب القلاع و الاکراد . کتاب عمان . کتاب فتوح طبرستان . کتاب طبرستان ایام الرشید . کتاب فتوح مصر . کتاب الری و امر العلوی . کتاب اخبار الحسن بن یزید و ما مدح به من^{۱۳} الشعر و عماله . کتاب فتوح الجزیره .

۱- ف (حمرة واقمر) . ۲- ف (الجارود بن دوستقباد) .

۳- ف (العیلی) . ۴- ف (خلافة عبد الجبار الازدی و مقتله المسور) .

۵- ف (مسلم) . ۶- ف (الواقوصه) .

۷- ف (ایلیا) . ۸- ف (صهر باج) .

۹- ف (تستوا) . ۱۰- ف (صهر باج) .

۱۱- ف (الإشارة) . ۱۲- ف (بابل و راماسال) .

۱۳- ف (فی) .

(کتاب فتوح البامر) ^۱ کتاب فتوح الاهواز . کتاب فتوح الشام . کتاب فتوح شهرک ^۲ .
کتاب امرالبحرین . کتاب فتح برقه . کتاب فتح مکران . کتاب فتوح الحیره . کتاب موادعة-
النوبه . کتاب خبر ساریة بن زنیم . کتاب فتوح الری . کتاب فتوح جرجان و طبرستان .

کتابهای او در اخبار عرب

کتاب البیوتات . کتاب الحیوان ^۳ . کتاب اشراف عبدالقیس . کتاب اشراف ثقیف ^۴ . کتاب
من نسب الی امه . کتاب من سمی باسم ابیه من العرب . کتاب الخیل والرهان . کتاب بناء-
الکعبه . کتاب خبر خزاعه . کتاب حماالمدینه و جبالها و اودیتها .

کتابهای او در اخبار شاعران

و دیگران

کتاب اخبارالشعراء . کتاب من نسب الی امه من الشعراء . کتاب العمائر . کتاب الشیوخ
کتاب الغرباء ، کتاب من هادن اوغزا . کتاب من افترض ^۵ من الاعراب فی الادیوان فندم وقال
شعرا . کتاب المتمثلین . کتاب من تمثل بشعر فی مرضه . کتاب الابیات التي جوابها کلام .
کتاب التحاشی ^۶ کتاب من وقف علی قبر فتمثل بشعر . کتاب من بلغه موت رجل فتمثل بشعرا و
کلام . کتاب من تشبه بالرجال من النساء . کتاب من فضل الاعرابیات ^۷ علی الحضریات .
کتاب من قال شعرا علی البدیهة . کتاب من قال شعرا فی الاوابد . کتاب الاستعداد علی الشعراء .
کتاب من قال شعرا فسمى به . کتاب من قال فی الحكومة من الشعراء . کتاب تفضیل الشعراء
بعضهم علی بعض . کتاب من ندم علی المدیح و (من) ندم علی المدیح علی الهجاء . کتاب من
قال شعر افاجیب بکلام . کتاب ابی الاسودالدوئلی . کتاب خالد بن صغوان . کتاب مهاجاة
عبدالرحمن بن جسان للنجاشی ^۸ . کتاب قصيدة خالد بن یزید فی الاحداث والملوک . کتاب اخبار
الفرزدق . کتاب قصيدة عبدالله بن اسحاق بن الفضل بن عبدالرحمن . کتاب خبر عمران بن حطان ،

۱- ظاهراً (بامهر) بکسر میم است که در ده فرسنگی ری در راه طبرستان قرار دارد
(معجم البلدان) .

۲- ف (سهرل) و ظاهراً سرك بفتح سین و از دهات دهستان طوس در خراسان است

(معجم البلدان) . ۳- ف (الحران) . ۴- ف (نهیف) .

۵- ف (افرض) . ۶- ف (النجاشی) . ۷- ف (العربیات) .

۸- ف (النجاشی) .

و از تألیفات اوست :

کتاب الاوائل . کتاب المتیمن^۱ . کتاب التعازی . کتاب المنافرات . کتاب الاكله^۲ . کتاب من جرد من الاسراف^۳ . کتاب العقبة والبردة . کتاب المسیرین . کتاب القیافة والفال والزجر (کتاب المروة) . کتاب الحمقى . کتاب الضراطین . کتاب خصومات الاشراف . کتاب الخیل : کتاب التمنى . کتاب الجواهر . کتاب المقتبس . کتاب المسومین . کتاب کان یقال . کتاب ذم الحسد^۴ . کتاب من وقف علی قبر . کتاب الحیل . کتاب من استحببت دعوته . کتاب قضاة اهل المدينة . کتاب قضاة اهل البصرة . کتاب اخبار رقبة بن مصقلة . کتاب مفاخرة^۵ العرب والعجم . کتاب مفاخرة اهل البصرة واهل الكوفة . کتاب ضرب الدراهم والصرف . کتاب اخبار اياس بن معاوية . کتاب اخبار اصحاب الكهف . کتاب صلاح المال . کتاب مكة . کتاب خطبة واصل . کتاب ادب الاخوان . کتاب المقطعات المتحیرات^۶ . کتاب اخبار ابن سیرین . کتاب الرسالة الی ابن ابی دؤاد . کتاب النوادر . کتاب اخبار المختار . کتاب المدينة . کتاب المحتضرين - بمعنی جوان مرگ شده گان . کتاب معرفة المراقب و الرسوم . کتاب المراعی والجراذ مشتمل بر : شهرستانها و کرانهها و جمع آوری مالیات آنها . کتاب الجوابات ، (و نیز کتابی دارد بنام : کتاب المحاسن و در آن آداب مورد نیز در معاشرت با پادشاهان ذکر شده است) .

اخبار احمد بن حارث خزاز

مصاحب مدائنی

بخط ابن کوفی خواندم که : ابو جعفر احمد بن حارث بن مبارک ؛ برده منصور ، از مردم بغداد بود ، و سری بزرگ و ریشی بلند و انبوه و صورتی زیبا ، و دهانی فراخ و شکستگی زبان داشت . یکسال پیش از مرگش خضاب رنگینی میجست و علت را که از وی پرسیدند گفت چنین دانسته ام که نکیر و منکر همینکه دیدند مرده با خضاب است منکر بنگیر گوید : از او کناره جوئی کن .

۱- ف (المتیمنین) . ۲- ف (الابله) . ۳- من جور من الاشراف) .

۴- ف (الجنید) . ۵- ف (مفاخر) . ۶- ف (المنقطعات المتجردات) .

و بغیر از خط ابن کوفی دارد که : احمد راویة مدائنی و عتابی بود ، وجدش را برای منصور آورده بودند تا او را میان دربانان خود^۱ درآورد ، و نامش ، حسان و از اسیران یمامه^۲ بود ، احمد طبع شعر داشت ، و از شعر اوست :

أَنَا أَمْرٌ لَا أَرَى بِالْبَابِ أَقْرَعَهُ إِذَا تَمَنَّعَ دُونِي حَاجِبُ الْبَابِ^۳
وَلَا أَلَوْمُ أَمْرٌ فِي وَدِّ ذِي شَرَفٍ وَلَا أَطَالِبُ وَدَّ الْكَارِهِ الْإِبِي^۴

و بیشتر اشعارش در مذمت دربانان است ، احمد در ذی حجة سال دوست و پنجاه و هشت در گذشت ، و منزلش در باب الکوفه بود ، و در گورستان همانجا بخاک سپرده شد . و وفات او را در پنجاه و شش هم گفته اند . از کتابهای اوست : کتاب المسالك والممالك . کتاب اسماء الخلفاء و کناهم^۵ و الصحابة . کتاب مغازی البحر فی دولة بنی هاشم و ذکر ابی حفص صاحب اقریطش . کتاب القبائل . کتاب الاشراف . کتاب مانهی النبی صلعم عنه . کتاب ابناء السراى . کتاب نوادر الشعر . کتاب مختصر کتاب البطون . کتاب مغازی النبی صلعم و سراياه و ذکر ازواجه . (کتاب جمهرة ولد الحرب بن کعب و اخبار هم فی الجاهلیة) . کتاب اخبار ابی العباس . کتاب الاخبار والنوادر . کتاب شحنة البرید . کتاب النسب . کتاب الحلائب والرهان

ابو خالد غنوی

این کتابها از اوست : کتاب اخبار غنی و انسابهم . کتاب الانساب .

اخبار ابن عیده

(محمد بن عبده بن سلیمان بن حاجب عبیدی ، و نام عبده) عبدالرحمن ، و لقبش عبده و کنیه اش ابو عبدالرحمن بود . و فرزندش محمد با بوبکر کنیه داشت . و خود او یکی از علماء مورد اعتماد ، در انساب بود که معرفت خوبی بمآثر ، و اخبار ، و سرگذشت عرب داشت و از کارکنان دولتی بشمار میرفت . و این کتابها از اوست : کتاب النسب الکبیر - مشتمل بر انساب قبائل به پیکره کتاب هشام کلبی . کتاب مختصر اسماء القبائل . کتاب کافی فی النسب .

- ۱- ف (من اسرى جده المنصور ليجعل فى الموالى) جب (ممن اسرى جده للمنصور ليجعل فى البوابين) .
- ۲- رجوع شود بصفحة ۴۱ .
- ۳- من کسی نیتم در بخانه را بکوبم اگر دربانش خودداری از بازی کردن آن بروی من داشته باشد .
- ۴- و هیچ کسی را بدوستی با شرافتمندان نکوهش نکنم و از کسیکه کراحت و خودداری داشته باشد خواستار دوستی نیستم .
- ۵- ف (و کتابهم) .

کتاب مناکیح المهلب . کتاب نسب ولدابی صفره و المهلب و ولده . کتاب معدبن عدنان و قحطان . کتاب مناقب قریش . کتاب نسپ بنی فقعس بن طریف بن اسد بن خزیمه . کتاب الامهات . کتاب نسب الاخنس بن شریق الثقفی . کتاب نسب کنانه . کتاب ابی جعفر المنصور . کتاب اشراف بکر و تغلب و فرسانهم و ایامهم و مناقبهم و احلافهم^۱ کتاب اسماء فحول - الشعراء . کتاب الشجعاء .

اخبار علان شعوبی

علان بن ... شعوبی ، از نژاد ایران و روایه ایست که بانساب ، و مثالب ، و منافرات معرفت داشته و ویژه برمکیان بود، و در بیت الحکمه برای رشید و مأمون و برمکیان نسخه برداری میکرد . و در مثالب عرب کتاب الميدان را تألیف نموده و در آن پرده از روی مثال آنها برداشته و آن را برملا نمود . و بخط ابن شاهین خواندم که کتابی بنام الحلیه در دست تألیف داشته که ناتمام مانده و از میان رفته است . و از کتابهای اوست : کتاب (المیدان) فی المثالب مشتمل بر : مثالب قریش و صنایع و تجارت آنها ، مثالب تیم بن مره بن کعب ، مثالب بنی اسد بن عبدالعزی . مثالب بنی مخزوم بن یقطه بن مره بن کعب ، مثالب سامة بن لوی ، مثالب عبدالدار بن قسی . مثالب ولد زهره بن کلاب ، مثالب بنی عدی بن کعب ، مثالب سعد بن لوی ، مثالب الحارث بن لوی ، مثالب خزیمه بن لوی ، مثالب عوف بن لوی ، مثالب عامر بن لوی ، مثالب اسد بن خزیمه ، مثالب هذیل بن مدرکه ، مثالب بنی امرؤ القیس بن زید بن مناة بن تمیم ، مثالب بنی طابخه بن الیاس ، مثالب بنی ضبه بن اد ، مثالب مزینه بن اد^۲ ، مثالب عدی بن الرباب ؛ مثالب عکل ، مثالب بلعم بن تیم ، مثالب تمیم ، مثالب عمرو بن تمیم . اسد ، لحم ، قین . مآرب ، حبط ، یربوع ، بنودارم ، براحم^۳ ربیعه الجوع ، بنو سعد بن زید مناة ، مثالب قیس عیلان ، مثالب غنی ، مثالب باهله ، مثالب بنی سلیم بن منصور ، مثالب نمیر^۴ مثالب عامر بن صعصعه ، مثالب فزاره ، بنومره بن عوف بن غطفان ، عبس بن بقیض ، ثقیف ، مثالب ربیعه . مثالب عجل بن لجیم ، مثالب تغلب بن وائل ، مثالب یشکر بن بکر ، مثالب نمر بن قاسط ، مثالب سدوس بن شیبان ، مثالب عنتره بن اسد ، مثالب تیم اللات بن ثعلبه ، مثالب حنیفه بن لجیم ، مثالب بنی شیبان^۵ ، مثالب عبدالقیس ، مثالب ایاد (که مفصل نیست) مثالب یمن که مفصل نیست^۵ ، اوس ، خزرج ، قضاعه ، طی ، بنو حارث بن کعب ، نخع ؛

۱- ف (واجلائهم) .

۲- ف (راحم) .

۳- ف (غیره) .

۴- ف (بنی سنان) .

۵- ظاهراً جمله (مفصل نیست) متعلق با یاد میباشد که

در (جب) آمده و فلو کل بعد از مثالب یمن آنرا آورده زیرا مثالب یمن مفصلاً ذکر گردیده است.

خزاعه ، غسان ، كنده ، اشعرون^۱ لحم . جذام ، عنس ، مراد ، سكاسك . قین ، نهد ، زبیده ، بجيله^۲ همدان ، حضرموت ، حمير .

و از کتابهاییکه اختصاص بیکی دارد : کتاب فضائل کنانه . کتاب نسب النمر بن قاسط . کتاب نسب تغلب بن وائل . کتاب فضائل ربیعہ . کتاب المنافرة .

اخبار محمد بن حبیب

ابو جعفر محمد بن حبیب بن امیه بن عمرو . وسکری نوشته است ، ابوالقاسم حجازی صاحب کتاب تاریخ الملحق از قول محمد بن عبدالملک گوید : که ابوالقاسم عبدالعزیز بن عبدالله هاشمی بمن گفت : محمد بن حبیب برده ما - یعنی برده بنی عباس بن محمد بود ، و مادرش حبیب نیز کنیزك ما بوده و حبیب مادرش بود نه پدرش .

محمد بن اسحاق گوید: که او از علماء در انساب ، و اخبار ، و لغت ؛ و شعر ؛ و قبائل بود ، و قطعه از اشعار عرب را جمع کرد ، و از ابن اعرابی ، و قطرب . و ابو عبیده ، و ابویقظان و دیگران روایت مینمود ، و کارش ادب آموزی ، و کتابهایش صحیح و بی نقص بود ، و وفاتش ... و این کتابها از اوست : کتاب الامثال علی افعال (المنمق) . کتاب النسب . کتاب السعود و العمود . کتاب العمائر و الربائع فی النسب . کتاب الموشح . کتاب المؤتلف و المختلف فی النسب . کتاب المخبر . کتاب المقنتی . کتاب غریب الحدیث . کتاب الانواء . کتاب المشجر . کتاب الموشا . کتاب من استجیب دعوته .

(بخط ابن کوفی) . کتاب (المذهب فی) اخبار الشعراء و طبقاتهم . کتاب نقائص جریر بن عمر بن لجا . کتاب نقائص جریر و الفرزدق . کتاب الجفوف . کتاب تاریخ الخلفاء . کتاب من سمی ببیت قاله . کتاب مقاتل الفرسان کتاب الشعراء و انسابهم . (کتاب القاب الشعراء) . کتاب کنی الشعراء^۳ . کتاب العقل . کتاب السمات^۴ . کتاب امهات النبی صلّم . کتاب (ایام) جریر التي ذکرها فی شعره . کتاب امهات اعیان بنی عبدالمطلب کتاب المقتبس . کتاب امهات السبعة^۵ من قریش . کتاب الخیل^۶ و باز بنوشته ابن کوفی . کتاب النبات . کتاب الارحام التي بین رسول الله و بین اصحابه سوی العصبه . القاب النمر و ربیعہ رمض . کتاب الالقاب - مشتمل بر القاب قبائل . کتاب القبائل الكبير و الايام . و این کتابرا برای فتح بن خاقان جمع کرد و همان نسخه را من نزد ابوالقاسم بن ابو خطاب بن فرات در ورقی طلحی دیدم که بیش از بیست جزء بود ،

۱- ف (الاسعدون) .

۲- ف (بخيله) .

۳- ف (کنز الشعراء) .

۴- ف (المسمات) .

۵- ف (الشیعه) .

۶- ف (الخیل) .

و مقدراری هم کم داشت، و نشان میداد در حدود چهل جزء میباید، و هر جزء بیش از دو است ورق بود. و فهرستی از محتویاتش نسبت بقبائل و ایام دارد که بخط سندی^۱ بن علی وراق در پانزده ورقه کاغذ طلحی و بخطی نازک^۲ نوشته شده که من خلاصه آنرا ذکر خواهم کرد (انشاءالله).

خلاد بن یزید باهلی

یکی از راویان اخبار و قبائل و اشعار است که تصنیفی از او ندیده‌ام.

عمر بن بکیر

از اصحاب حسن بن سهل، و از اخباریان، و راویه، و نسابه بود. و فراء کتاب معانی القرآن را برای او تألیف کرد. و این کتابها از اوست: کتاب یوم الغول. یوم الطهر^۳. یوم ارمام، یوم الکوفه. غزوة^۴ بنی سعد بن زید مناه، یوم منابض.

ابن ابواویس

یکی از راویان لغت، و انساب، و مآثر است، که فصحاء اعراب را دیده و از ابوسهل سعد بن سعید، پاره از کتاب حصری^۵ را در غریب روایت کرده است.

ابن نطاح

ابو عبدالله محمد بن صالح بن نطاح، راوی حسن بن میمون، و اول کسی است که در باره دولت و اخبار آن کتابی تألیف کرده است. ابن نطاح از ابراهیم بن ردان^۶ بن سنان بصری حکایاتی نقل نموده و در شمار اخباریان و نسابان و راویان سنن^۷ بود. و این کتابها از اوست: کتاب افخاذ العرب. کتاب البیوتات. کتاب الرد علی ابی عبیده فی کتاب الدیباچ. کتاب انساب ازد عمان. کتاب مقتل زید بن علی علیهما السلام.

سلمویه

بن صالح لیثی، از راویان اخبار و انساب، و مؤلف این کتابهاست: کتاب الدوله - و

۱- ف (التستری).

۲- ف (جرک) (جب نازک) رجوع شود بصفحه ۱۳۱ همین کتاب.

۳- ف (الظهر).

۴- ف (عزوة).

۵- ف (حصرمی).

۶- ف (زادان).

۷- جب (سیر).

در آن از گروهی از نسابان روایت کرده است .

سکری

نامش حسن بن سعید (از نسابان) . و این کتابها از اوست : کتاب انساب بنی عبدالمطلب . کتابی است بزرگ .

ابن عبدالحمید کاتب

ابوالفضل محمد بن احمد بن عبدالحمید کاتب ، از دانایان سیرت و مؤلف این کتاب است : کتاب اخبار خلفا بنی العباس - کتابیست بزرگ .

ابن ابو ثابت زهری

نامش عبدالعزیز بن عمران زهری ، و از کتابهای اوست : کتاب الاحلاف .

عیینه بن منهال

کنیه اش ابومنهل ، راوی اخبار ، و امثال ، و انساب ؛ و این کتابها از اوست : کتاب الابیات السائرة . کتاب المبیانات . کتاب الامثال السائرة . کتاب السراب .

راوندی

مؤلف کتاب اخبارالدوله^۱ ایست که بخوبی از کار درآورده ، و من مقدار کمی از آن را دیده ام ، وی مجلسی برای راوندیان داشت که آن کتابرا بر وی میخواندند ، و اخبار دولت را از وی میگرفتند . و این کتاب از اوست : کتابالدوله - در حدود دوهزار ورق .

ابن شیب

مکنی بابوسعید ، عبدالله بن شیب ربعی بصری . از اخباریان ، و از کتابهای اوست : کتاب الاخبار والاثار . بروایت ثعلب از او .

غلابی

ابوعبدالله محمد بن زکریا بن دینار غلابی ، یکی از راویان سیرت و احداث و مغازی

و چیزهای دیگر است . در گفتار صداقت داشته و مورد اعتماد بود . این کتابها از اوست : کتاب مقتل الحسین بن علی (علیهما السلام) . کتاب وقعة صفین . کتاب الجمل . کتاب الحرة . کتاب مقتل امیر المؤمنین (علی علیه السلام) . کتاب التواین وعین الورد^۱ . کتاب الاجواد . کتاب المبخلین .

بخط ابن کوفی ، نام گروهی را بدست آوردیم

که ذکرشان را بعد موکول داشته بودم

(و آنان)

خراش بن اسماعیل شیبانی (عجلی) ، مکنی بابو وعرا^۲ ، که محمد بن سائب کلبی از وی آموخته ، یکی از نسابان بود ، و از کتابهای اوست : کتاب اخبار ربیعه و انسابها .

ابن زباله

از اخباریان ، و نسابان ، و این کتابها از اوست : کتاب المدینه و اخبارها^۳ (کتاب الشعراء . کتاب الالقاب) .

عبدالله بن ابوسعید وراق

از اخباریان و نسابان و راویان اشعار بود . و این کتابها از اوست : کتاب العربیه . کتاب الايمان والدعاء والدواهی . کتاب المدینه و اخبارها . کتاب الشعراء . کتاب الالقاب^۴ .

نصری^۵

حسن بن میمون ، از بنی نصر بن قعین ، که محمد بن نطاح از وی روایت کرده ، و این کتابها از اوست : کتاب الدولة . کتاب المآثر .

۱- ف (الثواء بین وعرورده) .
 ۲- ف (بابی رعش) .
 ۳- ف (اخبار المدینه) .
 ۴- ظاهراً این سه کتاب همانست که از تألیفات
 ۵- ف (البصری) .
 ابن زباله است .

خالد بن خداش

بن عجلان ، مکنی بابوهیثم ، بردهٔ خاندان مهلب بن ابو صفره ، و در سال دویت و بیست و سه وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب الازارقه و حروب المهلب . کتاب اخبار آل المهلب .

ابن عابد

جز این دربارهٔ او چیزی ندانیم . و از کتابهای اوست : کتاب الملوك و اخبار الامم .

مغیره

بن محمد مهلبی . و از کتابهای اوست : کتاب مناكح (آل) المهلب .

ابن غنام کلابی

(نامش ...) از کوفیانی است که در روزگار ابن کناسه بود و با او سرگذشتهائی داشت . این کتابها از اوست : کتاب النسب^۱ . کتاب الملح .

ابو منعم

(نامش ...) و از کتابهای اوست : کتاب طبقات الشعراء .

خثعمی

نامش محمد بن عبدالله . یا ، عبدالله بن محمد . از کتابهای اوست : کتاب الشعر - والشعراء .

منجوف سدوسی

و از کتابهای اوست : کتاب العزل^۲ . و از فرزندان او ، غنویه سدوسی است که نامش عبیدالله^۳ بن فضل بن سفیان بن منجوف ، و مکنی بابو محمد از اخباریانی بود که از ابو عبیده روایت مینمود ، و بعد از سال دویت درگذشت . از کتابهای اوست : کتاب المائر والانساب والایام .

۱- ف (النسب) .

۲- ف (العول) .

۳- ف (عبدالله) .

ولید بن مسلم

از صاحبان سیر و احداث . و از کتابهای اوست : کتاب المغازی .

فاکری

(و او ...) . از کتابهای اوست : کتاب مکه و اخبارها فی الجاهلیة والاسلام .

یزید بن محمد مهلبی

از شاعرانی است که ذکرش خواهد آمد . و از کتابهای اوست : کتاب المهلب و اخباره و اخبار ولده .

ابو اسحاق

اسماعیل بن عیسی عطار ، از مردم بغداد ، و صاحبان سیر ، که حسن بن علویة قطان^۱ از وی روایت کرده است ، این کتابها از اوست : کتاب المبتداء . کتاب حفر زمزم . کتاب الردة . کتاب الفتوح . کتاب الجمل . کتاب صفین . کتاب الالویه . کتاب الفتن .

ابن ابو طیفور

نامش محمد بن احمد جرجانی ، از مردم جرجان ، و از کتابهای اوست : کتاب ابواب الخلفاء و مرادش آن کسانی است که خلفاء با آنها مأنوس ، و طرف مشورت و کمک فکری بوده اند .

ابن تمام دهقان

ابوالحسن^۲ محمد بن علی بن فضل بن تمام دهقان ، کوفی ، و از کتابهای اوست : کتاب فضائل الکوفه .

ابوحسان زیادی

ابوحسان حسن بن عثمان زیادی ، از هیثم بن عدی و دیگران روایت مینمود ، و قاضی با فضل ، و ادیب با سخاوت و بخششی بود . کتابهایی تألیف کرده یا برایش تألیف کرده اند .

۱- ف (العطار) . ۲- ف (ابوالحسین) .

کتابخانه بزرگ و خوبی داشت. و از مردمان آموخت. وفاتش در سال دویست و چهل و سه در همان روزی اتفاق افتاده که حسن بن علی بن ابوجعد وفات یافت، و هشتاد و نه سال و چند ماه از عمرش گذشته بود، این کتابها از اوست: کتاب مغازی^۲ عروۃ بن الزبیر. کتاب طبقات الشعراء. کتاب القاب الشعراء. کتاب الالباء والامهات.

مصعب بن عبدالله زبیری

ابو عبدالله مصعب بن عبدالله بن مصعب بن ثابت بن عبدالله بن زبیر بن عوام، وعموی زبیر بن ابوبکر، حجازی^۳ است که در بغداد اقامت داشت، و راوی، و ادیب، و محدث، و شاعر بود. پدرش عبدالله مرد شروزی بود که نسبت بفرزندان علی علیه السلام گستاخیهایی داشته، و قصه او با یحیی بن عبدالله معروف است. وفاتش در روز چهارشنبه دوم شوال سال دویست و سی و سه بوده و ابن ابوخیثمه وفاتش را در سن هفتاد^۴ و شش سالگی دانسته است، این کتابها از اوست: کتاب النسب الکبیر. کتاب نسب قریش.

اخبار زبیر بن بکر

ابو عبدالله زبیر بن ابوبکر، بکر بن عبدالله بن مصعب بن ثابت بن عبدالله بن زبیر بن عوام، از مردم مدینه و یکی از اخباریان، و نسابان، و شاعران صداقت پیشه، و راویه با جلالت قدری بود قضاوت مکه را داشت، و مکرر ببغداد آمده، و آخرین مرتبه آن در سال دویست و پنجاه و سه بود. محمد بن داود گوید: در همان سال خوردگی، و پاکدامنی، در رفتار و اشعارش جوانمردی و مروت و دلاوری را از دست نمیداد.

عَفَّ الصَّبِيُّ مُتَجَمِّلِ الصَّبْرِ	يَرْجُو عَوَاقِبَ دَوْلَةِ الدَّهْرِ ^۵
جَعَلَ الْمُنَى سَبَبًا لِرَاحَتِهِ	فِيمَا يُسْكِنُ لَوْعَةَ الصَّدْرِ ^۶
حَتَّى إِذَا مَا الْفُكْرَ رَاجَعَهُ	قَطَعَ الْمُنَى بِتَبِينِ ^۷ الْهَجْرِ ^۸
فَشَكَى ^۹ الضَّمِيرُ إِلَى جِوَانِحِهِ	بَعْضَ الَّذِي يَلْقَى مِنَ الْفِكْرِ ^{۱۰}

۱- ف (نودوشش). ۲- ف (معانی).

۳- ف (حواری). ۴- ف (نودوشش).

۵- عشق ورزی را رها کرد و بردباری را پیشه خود ساخت و امید خود را بعاقبت کار

بست.

۶- آرزومندی را موجب آسایش و تسکین سوزش درونی خود میدانست.

۷- ف (فتبین). ۸- و همینکه اندیشه باو راه یافت همه آرزوها را با آشکار

گشتن هجران از دست داد. ۹- ف (یشکو).

۱۰- ولی ضمیرش بسینه شکایت از پاره چیزهایی نمود که اندیشه برایش ایجاد کرده بود.

زیر قاضی مکه بود که از دنیارفت ، و در همانجا روز یکشنبه نه روز با آخر ذی‌عقده ، سال دویست و پنجاه و شش در سن بخاک سپرده شد و هشتاد و چهار سال زندگانی کرد . و سبب مرگش هم افتادن از بام خانه‌اش بود که استخوانهای چنبره کردن ، و رانش شکست . و فرزندش مصعب بر وی نماز گذارد ، و در تشییع جنازه‌اش محمد بن عیسی بن منصور حضور داشت . و در کنار قبر علی بن عیسی هاشمی در مقبره حجون دفن گردید ، این کتابها از اوست : کتاب اخبار العرب و ایامها ، کتاب نسب قریش و اخبارها ، کتاب نوادر اخبار - النسب . کتاب الاحلاف^۱ . کتاب الموقیات فی الاخبار - که برای موفق تألیف کرد^۲ . کتاب مزاح النبی صلعم^۳ . کتاب نوادر المدینین . کتاب النحل - و من آنرا بخط سکری دیده‌ام . کتاب العقیق و اخباره . کتاب (اخبار) الاوس و الخزرج . کتاب وفود النعمان علی کسری . کتاب اغارة کثیر علی الشعراء . کتاب اخبار ابن میاده .

و بنوشته ابن کوفی : اخبار حسان . اخبار الاحوص . اخبار عمر بن ابی ربیع . اخبار ابی دهب . اخبار جمیل . اخبار نصیب . اخبار کثیر . اخبار امیه . اخبار العرجی . اخبار ابی السائب . اخبار حاتم . اخبار عبدالرحمن بن حسان . اخبار هدبه و زیاده . اخبار توبه و لیلی . اخبار ابن هر مه . اخبار المجنون . اخبار القاری ، اخبار ابن الدمینة . اخبار عبدالله بن قیس الرقیات . اخبار اشعث .

نام کسانی که زیر از آنها روایت کرد

بنوشته ابن کوفی

از عمویش مصعب بن عبدالله ، و محمد بن حسن مخزومی ، و محمد بن ضحاک بن عثمان ، و مسلم بن عبدالله مسلم بن جندب ، و ابراهیم بن منذر ، و یحیی بن محمد بن عبدالله بن ثوبان ، و عبدالملک بن عبدالعزیز ، و یعقوب بن اسحاق ربیع ، و عثمان بن عبدالرحمن ، و بکار بن رباح و مسلمة بن ابراهیم بن هشام (مخزومی) ، و عبدالعزیز بن عبدالله (اویسی) ، و محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن عبدالحمید ، و حمید بن محمد بن عبدالعزیز زهری ، و عبدالجبار بن سعید بن (سلیمان بن) نوفل بن مساحق ، و مؤمن بن عمر بن افلح ، و علی بن مغیره ، و عبدالله بن نافع بن ثابت ، روایت کرده است .

۱ - ف (الاختلاف) .

۲ - ف (الفه للموفق وهو الموقیات فی الاخبار) .

۳ - جب (علیه السلام) .

اخبار جهمی

ابو عبدالله احمد بن محمد بن حمید بن سلیمان بن عبدالله بن ابوجهم بن حذیفه عبیدی ، از بنی عدی بن کعب ، معروف بجهمی برای انتساب بجدش ابوجهم بن حذیفه ؛ از حجازیانی است^۱ که بیغداده آمده ، و همانجا تحصیل کرده ، وادیب ، وراویه ، و شاعر ، و آوازه خوانی^۲ بود . نسب و مثالب همه بزرگان را بطور زننده می شمرد ، و کتابهایی در این باره تألیف کرد . محمد بن داود گوید : سوار بن ابوشراعه برای من حکایت کرد که میان جهمی و گروهی از هواداران عمرو عثمان شری برپا شد ، چه او بزشت ترین صورتی پیشینیان آنانرا یاد کرد ، برخی از هاشمیان اعتراض کرده واو هم نسبت بعباس کلمه بسیار زشتی گفت ، این خبر که بمتوکل رسید امر کرد صد تازیانه باو زنند ، و ابراهیم بن اسحاق بن ابراهیم ویرا بتازیانه بست و همینکه از زدن فراغت یافت ، جهمی گفت .

تُبْرِی الْكُلُومِ وَ يَنْبِتُ الشَّعْرُ وَ لِكُلِّ مُورِدٍ مَحْنَةٌ صَدْرُ^۴

وَاللُّومُ فِي أَثْوَابٍ^۵ مُنْبَطِحٍ لَعْبِيدِهِ مَا أَوْرَقَ الشَّجَرُ^۶

این کتابها از اوست : کتاب انساب قریش و اخبارها . کتاب المعصومین . کتاب المثالب کتاب الانتصار^۷ فی الرد علی الشعوبیه . کتاب فضائل مضر^۸ .

ازرقی

نامش محمد بن عبدالله بن احمد بن ولید بن عقبه ازرق ، و نام ازرق ، بنوشته ابن کوفی عثمان بن عمرو بن حارث بن ابوشمر بن عمرو بن عوف بن حارث بن ربیع بن حارثه بن حارث بن ثعلبه بن عنقاء بن حقبه بن عمرو بن عامر مزقییا ، و یکی از اخباریان و صاحبان سیر است از کتابهای اوست : کتاب مکه و اخبارها و جبالها و اودیتها . کتابی است بزرگ .

اخبار عمر بن شبه

ابوزید عمر بن شبه بن عبید بن ربطه ، و نام شبه زید ، مکنی بابو معاذ بود ، عمر گوید :

۱- ف (حواری) .

۲- ف (مفنا) جب (مغنیاً) .

۳- ف (علة) .

۴- زخمها بهبودی یابد و موها بجای خود دو باره بروید .

و هر رنج دهنده آمری دارد .

۵- ف (اتراب) .

۶- و نکوهش برای آن بندگان است که برخاک فتاده اند تا هر زمانی که درختان

۸- ف (مصر) .

۷- ف (الابتصار) .

برگ سبز دهند .

مرا باین نام خواندند برای آنکه در کودکی مادرم مرا میرقصانید ، و میگفت :

يَا يَأَى وَ شَا وَ عَاشَ حَتَّى دَبَا شَيْخًا كَبِيرًا أَحْنَا ١

عمر از مردم بصره ، و بردهٔ بنی‌نمیر بود، طبع شعر داشت و از اخباریان، و فقیهان و

مردمان صادق اللهجه‌ایست که در روایاتش خللی نداشت . و از اشعار اوست :

وَقَائِلَةٌ لَمْ يَبِقِ فِي النَّاسِ سَيِّدٌ فَقُلْتُ بَلَى عَبْدَ الرَّحِيمِ بْنِ جَعْفَرٍ ٢

و فرزندش ابوطاهر احمد بن عمر بن شبه نیز از شاعران با ظرافت و خوب ، و راویه

بود که دو سال بعد از پدرش در گذشت . و این اشعار از اوست :

نَظَرْتُ فَلَمْ أَرِ فِي الْعَسْكَرِ كَشُومِي وَ شُومَ أَبِي جَعْفَرٍ ٣

عَدَا النَّاسُ لِلْعِيدِ فِي زِينَةٍ مِنَ النُّورِ ٤ فِي مَنْظَرٍ أَزْهَرَ ٥

وَ يَنْدُو عَلَيْهِمْ بِلَا أَهْبَةَ مِرَارًا مِنَ الْمَنْزِلِ الْمُقْفَرِ ٦

فَيَقْدُ لِلشُّومِ فِي عَزَلَةٍ مِنَ النَّاسِ يَنْظُرُ فِي دَفْتَرٍ ٧

وفات عمر بن شبه، در روز دوشنبه بیست و چهارم جمادی‌الآخر سال دویست و شصت و دو،

در سامراء بوده و نود سال داشت . کتابهای او با بوالحسن علی بن یحیی رسید ، چون ابو

طاهر پسرش آنها را باو فروخت . و این کتابها از اوست : کتاب الکوفه . کتاب البصره .

کتاب المدینه . کتاب مکه . کتاب امراء الکوفه . کتاب امراء البصره . کتاب امراء المدینه .

کتاب امراء مکه . کتاب السلطان . کتاب مقتل عثمان . کتاب الکتاب . کتاب الشعر والشعراء .

کتاب الاغانی . کتاب التاريخ . کتاب اخبار المنصور . کتاب محمد و ابراهیم ابنی عبدالله بن

حسن . کتاب اشعار الشراة . کتاب النسب . کتاب اخبار ابن نمیر ٨ . کتاب ما استعجم الناس

فيه من القرآن . کتاب الاستعانة بالشعر و ما جاء فی اللغات . کتاب الاستعظام للنحو و من كان

يلحن من النحويين .

١- ف (بابا و شبا ر عاش حتی دباشیخاً کبیراً احنا) .

٢- بآن کسی که گوید دیگر آقائی در میان مردم نمانده است گویم آری هست و او

عبدالرحیم بن جعفر است .

٣- در عسکر که نگاه میکنم ، بشامت خودم و ابو جعفر کسی را نمیبینم .

٤- ف (الیوم) . ٥- مردم برای عید همه با زینتی درخشان و منظرهٔ زیباتر

درآمده‌اند . ٦- و او بی آرایش از منزل درویشی خود بسوی آنان رود .

٧- و از روی شامت بکنج عزلتی نشسته و بدفتری نگاه میکند .

٨- ف (بنی‌نمیر) .

نام کسانی که عمر از آنان

روایت کرده است

از ابو عاصم نبیل ، و محمد بن سلام جمحی ، و هارون بن عبدالله ، و ابراهیم بن منذر
روایت کرده است^۱ .

بلادری

ابو جعفر احمد بن یحیی بن جابر بلادری ، و کنیه اش را ابوالحسن نیز گفته اند ؛ از
مردم بغداد و جدش جابر نزد خصیب فرمانفرمای مصر کتابت میکرد ، بلادری شاعر و راویه
بود ، و در اواخر عمر اختلال مشاعر پیدا کرد ، و در تیمارستان او را می بستند و همانجا
در گذشت ، سبب بیماریش خوردن تمر بلادر^۲ از روی نادانی بوده که دچار این پیش آمد
گردید . از هجو کردن زیاد خودداری نداشت ، و وهب بن سلیمان را برای بادی که از وی
در محضر عبدالله بن یحیی بن خاقان ، خارج شد ، بود مورد نکوهش قرار داده و از گفته هایش
این است .

أَيَا ضَرْطَةً حُسِبَتْ رَعْدَةٌ تَنَوَّقَ فِي سَلْهَا جَهْدَةٌ

يَقْدُمُ^۳ وَ هَبَّ بِهَا سَابِقًا وَ صَلَّى أَبُو صَاعِدٍ بَعْدَهُ

لَقَدْ هَتَكَ اللَّهُ سَتْرَيْهِمَا كَذَى كُلِّ مَنْ يَطْعَمُ الْفَهْدَهُ^۴

این کتابها از اوست : کتاب البلدان الصغیر . کتاب البلدان الکبیر - ناتمام . کتاب -
الاکخبار والانساب . کتاب عهد اردشیر . که بشعر ترجمه کرده زیرا یکی از مترجمان فارسی
عربی بود .

طلحی

ابواسحاق طلحة بن عبیدالله بن محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن محمد بن طلحة بن عبیدالله
تمیمی ، از مردم بصره است ، و ندیم موفق بود و از روایان و اخباریان بشمار میرفت و در
شب یکشنبه نیمه ماه ذی حجه سال دویست و نود^۵ و یک وفات یافت و این کتابها از اوست :

۱- فلوکل اشتباهاً این قسمت را در اول شرح حال عمر بن شبه گذاشته است .

۲- بلادر بروزن بهادر ، بار درختی است که در دواها بکار برند (برهان قاطع) .

۳- ف (فقدت) . ۴- ضرورتی در ترجمه اشعار دیده نشد .

۵- ف (هفتاد) .

کتاب المتیمین . کتاب جواهر الاخبار .

ابن ازهر

از اخباریان ، و نامش (ابو) جعفر محمد^۱ بن ازهر بن عیسی اخباری ، متولدسال دویست ، که در سال دویست و هفتاد و نه وفات یافت و هفتاد و نه سال داشته و از ابن اعرابی و دیگران آموخته بود، از کتابهای اوست : کتاب التاریخ- که از بهترین کتابهاست .

محمد بن سلام

ابو عبدالله محمد بن سلام جمحی ، یکی از اخباریان و راویان ، و این کتابها از اوست : کتاب الفاصل فی ملح الاخبار و الاشعار . کتاب بیوتات العرب . کتاب طبقات الشعراء الجاهلیین . کتاب طبقات الشعراء الاسلامیین . کتاب الحلاب و اجراء^۲ الخیل .

ابو خلیفه

فضل بن حباب بن محمد بن شعیب بن صخر جمحی بصری ، از بنی جمح (و نابینا بود) قضاوت بصره را داشت ، و از راویان اخبار ، و اشعار ، و انساب بشمار میرفت (و بخط ابن کوفی خواندم که از محمد بن سلام جمحی نیز روایت کرده است) وفاتش در شب یکشنبه سیزدهم ماه ربیع الاول سال سیصد و پنج است و روز یکشنبه در خانه اش بخاک سپرده شد . این کتابها از اوست : کتاب طبقات الشعراء الجاهلیین . کتاب الفرسان .

و از اخباریان - ابوالعباس

عبدالله بن اسحاق بن سلام مکاوی^۳ که بعلم غریب و فقه ، و آثار و اشعار معرفت خوبی داشته و شاعر صادقی بود و از اشعار اوست :

یا نعمة الله^۴ حلّی فی سرا^۵ ملک
(و لیس ینفذاً مرأ فی رعیتہ
لایصلح الدین و الدنیا بقیراط^۶
حتی یشاور فیها بنت بقراط^۷)

۱- ف (جعفر بن ابی محمد) .

۲- ف (اجر) .

۳- ف (مکاولی) .

۴- ف (یا نعمة الله) .

۵- ف (فی یدی) .

۶- ف (بقراط) یعنی ای کیفر خدائی بر سرای پادشاهی

فرود آیی که باندازه یک قیراط باصلاح دین و دنیای مردم نپردازد .

۷- و هیچ کاری را درباره رعایای خود انجام ندهد مگر پس از مشورت با دختر بقراط .

و مرادش قبیحه مادر معتز است . از کتابهای اوست : کتاب الاخبار و الانساب و السير که قسمتی از آن را دیده‌ام ولی تمام آنرا ندیده‌ام .

ابو اشعث

عزیز بن فضل بن فضالة بن مخراق^۱ بن عبدالرحمن عبیدالله بن مخراق ، و از کتابهای اوست : کتاب صفاة الجبال^۲ و الاودية و اسماءها بمکه و ماوالاها^۳ .

ابن ابوشیخ

نامش سلیمان ، و کنیه اش ابو ایوب ، از اخباریان ، و راویه ایست که بزرگان قوم را دیده داشت ، و نویسندگان اخبار از وی فرا گرفته اند . از کتابهای اوست : کتاب الاخبار المسموعه ، و من آنرا دیده‌ام .

وکیع قاضی

ابوبکر^۴ محمد بن خلف بن حیان بن صدقه ، معروف بوکیع قاضی ، در آداب بر- جستگی و تقدم داشته ، و درباره نقاط قضاوت کرده بود . و پیش از اینها نزد ابو عمر محمد بن یوسف بن یعقوب قاضی کتابت میکرد . و این کتابها از اوست : کتاب اخبار القضاة و تاریخهم و احکامهم . کتاب الشریف - که به پیکره کتاب المعارف ابن قتیبه است . کتاب الانواء . کتاب الفرر . در اخبار^۵ . کتاب المسافر . کتاب الطریق - که آنرا النواحی هم گویند و مشتمل بر اخبار شهرها و راهها بوده و باتمام نرسیده است . کتاب الصرف^۶ . و النقد و السکه . کتاب البحث .

ابوالحسن نسابه

نامش محمد بن قاسم تمیمی . از مردم بصره ، و یکی از علماء انساب است که تاکنون (حیات دارد) و این کتابها از اوست : کتاب الانساب و الاخبار . کتاب الفرس و انسابها (کتاب تاریخ سائر الامم) . کتاب المناقرات بین القبائل و اشراف العشائر و اقضية الحکام بینهم فی ذلك .

۱- ف (مخارق) . ۲- ف (الخیل) . ۳- جب (وماورائها) .

۴- ف (ابو محمد بکر بن) . ۵- ف (العزو و اخبار) .

۶- ف (التصرف) .

اشنانی قاضی

ابوالحسین عمر بن حسن بن مالک شیبانی . این کتابها از اوست: کتاب مقتل زید بن علی (علیهما السلام) کتاب الخیل . کتاب فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب . کتاب مقتل الحسن بن علی علیهما السلام .

ابوالحسین

بن ابوعمر محمد بن یوسف . این کتابها از اوست : کتاب غریب الحدیث . بزرگ و ناتمام است . کتاب الفرغ بعد الشدة .

ابوالفرج (بن) اصبهانی

علی بن حسین بن (محمد بن) هیثم قرشی، از فرزندان هشام بن عبدالملک، از شاعران، و مصنفان، و ادیبان بود، و کمتر از کسی روایت میکرد، و در تألیفات خود بیشتر بکتابهای استناد داشت که نویسنده آن معلوم باشد و یا از روی نسخه اصلی صحیح و خوبی باشد، وفاتش در سال سیصد و شصت و اندیست، و این کتابها از اوست: کتاب الاغانی الکبیر - در حدود پنجهزار ورق. کتاب مجرد الاغانی . کتاب اشعار الاماء والممالیک . کتاب الحمادین^۱ . کتاب الدیارات . کتاب صفة هارون (کتاب نسب بنی عبد شمس، از ملحقات بخط مصنف. کتاب القیان، از ملحقات است). کتاب مقاتل آل ابيطالب . کتاب تفضیل ذی الحجة . کتاب الاخبار والنوادر . کتاب ادب السماع . کتاب اخبار الطفیلین . کتاب ادب الغرباء من اهل الفضل والادب . کتاب مجموع الاثار والاخبار . کتاب الفرق والمعیار . که رساله ایست در : هارون بن المنجم بین - الاوغاد والاحرار .

جلودی

ابو احمد عبدالعزیز بن یحیی جلودی، او مردم بصره، و از اخباریان و صاحبان سیر و روایت^۲ است و بعد از سال سیصد و سی وفات یافت . و این کتابها از اوست: کتاب اخبار خالد بن صفوان . کتاب اخبار العجاج ورؤبة بن العجاج^۳ . کتاب مجموع قرائة امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب .

۱- ف (کتاب الحمارین والحمارات) . ۲- ف (وزیادات) . ۳- ف (ورؤبة ابنه) .

مأمون

عبدالله بن هارون بن مهدی بن منصور بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب اعلام خلفاً^۱ بفقہ و کلام بود ولی پپایه فصاحت برادرش محمد بن زبیده نمیرسید. و شهرتش ما را از نوشتن شرح حالش بی نیاز میدارد. و این کتابها از اوست: کتاب جواب ملك البر - غزفیها سئل عنه من امور الاسلام والتوحید. رسالته فی حجج مناقب الخلفاء بعد النبی صلّم. رسالته فی اعلام النبوة.

ابن معتمر

عبدالله بن معتمر بن متوکل بن معتصم بن رشید بن مهدی، یگانه مرد دوران خود در ادب و شعر بود، فصحاء اعرات بدیدارش میآمدند^۲ و او از آنان آموخته، و علما نحو و اخبار را ملاقات کرده مسموعاتش بسیار و روایاتش فراوان بوده، و کتابهای زیادی تألیف نموده که شهرتش ما را از شرح حالش بینیاز میدارد. این کتابها از اوست: کتاب الزهر والریاض کتاب البدیع. کتاب الجوارح والصيد. کتاب السرقات. کتاب اشعار الملوك. کتاب مکاتبات الاخوان بالشعر. کتاب الاداب. کتاب حلی الاخبار. کتاب طبقات الشعراء. کتاب الجامع فی الغناء. کتاب ارجوزة فی ذم الصبوح.

ابودلف

ابودلف قاسم بن عیسی بن معقل بن ادریس عجلی، سرور و امیر قوم خود و یکی^۳ از ادباء و فضلا، و شعرا، بسیار خوب بود، و در آواز و موسیقی هنرمندی و شهرتی داشت. این کتابها از اوست: کتاب البزاة والصيد. کتاب النزہ. کتاب السلاح. کتاب سياسة الملوك.

فتح بن خاقان

فتح بن خاقان بن احمد، مرد بسیار با ذکاوت، وهوش، و خوش اخلاق و از شاهزادگان بود متوکل ویرا بیرادری برگزیده و گرامیتر از تمام فرزندان و خاندان خود میشمرد. کتابخانه

۱- جب (الفقهاء). ۲- ف (یقصد) جب (یقصدہ).

۳- ف (اخذعنه الادباء) جب (احدا الادباء).

داشت که علی بن یحیی بن منجم برایش جمع آوری کرد . و بزرگتر و نیکوتر از آن دیده نشد . و خانه اش مرکز فصحاء اعراب و علماء کوفه و بصره بود .
 ابوهفان گوید : سه نفر بودند که ندیدم کسی باندازه آنها دوستدار علم و کتاب باشد و این سه نفر ، جاحظ ، و فتح بن خاقان ، و اسماعیل بن اسحاق قاضی بودند . اما جاحظ کتابی که بدست میآورد - هرچه باشد - تا بآخر آن را میخواند ، و چه بسا که دکان وراقان و کتابفروشان را کرایه میکرد ، و در آنجا شب را بزم نده داری^۱ و خواندن کتاب میگذراند . اما فتح بن خاقان که همیشه همنشین متوکل بود ، اگر متوکل برای قضاء حاجتی برمیخواست کتابی از آستین یا بغل خود درمیآورد ، و بخواندن آن در مجلس متوکل مشغول میشد تا او باز گردد و چه بسا که در بیت الخلا نیز این کار را میکرد .
 اما اسماعیل بن اسحاق ، نشد که من بر وی درآیم . و او را در حال زیرو رونمودن ، یا پاك کردن کتابی نبینم . وفات فتح در همان شب قتل متوکل بود که با وی کشته شد ، و این کتابها از اوست : کتاب البستان - این کتاب باو نسبت داده شد و کسیکه آن را برای وی تألیف کرد شخصی بود بنام محمد بن عبدربه و معروف براس الپنل . کتاب الصید والجراح . کتاب اختلاف الملوك . کتاب الروضة والزهر^۲ .

خاندان طاهر

عبدالله بن طاهر ، از شعر او مترسلان بلیغ ، و پسر طاهر بن حسین بود ، و هریک دارای رسائل مجموعه ایست ، و رساله طاهر بن حسین بمأمون هنگام فتح بغداد مشهور و بسیار نیکوست .

منصور بن طلحه

بن طاهر بن حسین ، که عبدالله بن طاهر ویرا حکیم^۳ خاندان طاهر مینامید ، و مورد اعجاب و تقدیرش بود ، و حکومت مرو^۴ و آمل^۵ و زم^۶ و خوارزم^۷ را داشت و در فلسفه

۱- ف (یثبت) جب (یبیت) .

۲- قفطی در تاریخ الحکماء او را مؤلف کتاب قلاعدالعقبان دانسته (ر.ک) . قفطی چاپ اوفست ص ۶-۴) .

۳- ف (حکم) . ۴- مرو ظاهراً همان مرو شاهجانست که از شهرهای مهم خراسان

میباشد (ر.ک) . معجم البلدان) . ۵- آمل در اینجا ظاهراً شهر است که باین نام در مغرب

جیحون و در راه بخارا است (معجم البلدان) . ۶- زم کلمه ایست فارسی و نام شهر

کوچکی است که کنار جیحون میان ترمذ و آمل است (معجم البلدان) . ۷- خوارزم یا خیوه

سرزمینی است در مجرای سفلی امودریا و از قدیم در تمدن آسیای مرکزی مؤثر بوده است

(مقدمه برهان قاطع بقلم آقای دکتر معین صفحه بیست و دو) .

کتابهای مشهوری دارد که از جمله کتاب المونس در موسیقی است و کندی آن را که خواند، گفت بهمان گونه که صاحبش آن را نامیده، مأنوس کننده است. و این کتابها از اوست: کتاب الابانة عن افعال الفلك. کتاب الوجود. کتاب رسالته فی العدد و المعدودات. کتاب-الدلیل والاستدلال.

عبیدالله

بن عبدالله (بن) طاهر، از شاعران و مترسلان امراء بوده، و بعد^۱ از محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر ریاست شرطه^۲ بغداد را داشت و سرور و رئیس خاندان خود و آخرین نفر این خاندان است که با داشتن ریاست از دنیا رفت. و این کتابها از اوست: کتاب الاشارة فی اختیار الشعراء کتاب رسالته فی السياسة الملوكیه. کتاب مراسلاته لعبدالله-بن المعتر. کتاب البراعة و الفصاحة.

نویسندگان و همکارانشان

نام نویسندگانی که نامه نگار بوده و نامه هایشان

بصورت مجموعه در آمده

عبدالحمید بن مروان

کاتب مروان بن محمد، که در ابتداء آموزگار کودکان بوده، و از شهری بشهری میرفت و نامه نگاران از وی آموختند و رویه او را پیروی کردند. و او کسی است که بلاغت را در نامه نگاری آسان کرده و در زمان خود مانندی نداشت و از مردم شهر... در شام بود. مجموعه نامه هایش در حدود هزار ورق است.

غیلان ابومروان

نامش... و خبر وی را در مقاله متکلمان و اخبار مرجئه آورده ایم و مجموعه نامه های او در حدود دو هزار ورق است.

۱- ف (فی خلافة محمد بن عبدالله بن طاهر) جب (خلافة محمد بن عبدالله بن طاهر ..).
 ۲- شرطه از شرط و بمعنی محافظان و باصطلاح امروز امنیه است (اقرب الموارد).

سالم

مکنی با بوعلا ، کاتب هشام بن عبدالملک ، داماد عبدالحمید بود . فصاحت و بلاغتی داشت و نامه‌های ارسطو را با سکندر ترجمه نمود . و (یا) برایش ترجمه کردند و او اصلاح کرده است ، مجموعه نامه‌های وی در حدود یکصد ورق است .

عبدالوهاب بن علی

کاتب بلال بن ابو بردة بن ابو موسی اشعری ، مرد فصیح و بلیغی بود و نامه‌های کمی دارد .

خالد بن ربیعہ افریقی

از نامه نگاران بلیغی است که (هر دو دولت را درک کرد) ، و نشو و نمایش در دیوان دولتی بود و مجموعه نامه‌هایش در حدود دوست ورق است .

یحیی و محمد پسران زیاد

حارثی

از فرزندان حارث بن کعب ، و هر دو شاعر و مترسل و بلیغ بودند و مجموعه نامه‌هایی دارند .

عمارة بن حمزه

کاتب ابوجعفر منصور و برده او ، مردی متکبر و خودپسند و در عین حال ، سخاوت و فصاحت و بلاغتی داشته و از يك چشم نابینا بود . ابوجعفر و مهدی برای رعایت حقوقی که بر آنها داشت اخلاق ناهنجار او را تحمل میکردند و او هم کارهای مهمی برایشان انجام داده بود . و از مجموعه نامه‌های او رساله الخمیس^۱ است که برای بنی عباس خوانده میشد .

جبل بن یزید

کاتب عمارة بن حمزه ، از مترجمان انگشت شمار در بلاغت بود .

محمد بن حجر

بن سلیمان ، از مردم حران^۱ مرد بلیغی بود و با فرمانفرمایان ارمنستان و شام برای خود مکاتباتی داشته و تألیفاتی هم دارد .

کاتب عباس بن محمد

بن (علی بن) عبدالله ، بلیغ و نامه نگار و از مردم انبار^۲ بود و مجموعه از نامه های خود دارد

اخبار عبدالله بن مقفع

عبدالله بن مقفع ، نامش در فارسی روزبه بود و پیش از مسلمان شدنش ابو عمرو کنیه داشت ، و همینکه اسلام آورد ، ابو محمد را کنیه خود قرارداد . و مقفع پسر مبارک است و سبب تقفع^۳ او این است که حجاج ویرا برای تصرف در اموال دولتی در بصره ، تازیانه سختی زده و از این جهت دستش خشکیدگی پیدا کرد . عبدالله از مردم جوز است^۴ که یکی از شهرستانهای فارس بوده و ابتدا برای داود بن عمر بن هبیره کتابت میکرد . و بعد عیسی بن علی کتابت کارهای کرمان را در عهده او گذاشت . بی اندازه فصیح و بلیغ و از نویسندگان و شاعران فصیح بشمار میرفت ، و هم او بود که آن شرائط سخت را در قضیه عبدالله بن علی و منصور^۵ نوشته و همه گونه پیش بینیها را در آن بکار برد که منصور کینه اش را بدل گرفت . و

۱- رجوع شود بصفحه ۱۹ همین کتاب . ۲- رجوع شود بصفحه ۸ همین کتاب .

۳- رجل مقفع الیدین ، کمعظم ، مرد ترنجیده ، ویرا گرفته دست . (منتهی الارب) .

۴- ظاهر اجوز فیروز آباد است (لغتنامه دهخدا ص ۳۵۲ . حاشیه ۳) .

۵- عبدالله بن علی پسر عموی منصور خلیفه عباسی بوده و براو خروج کرد، منصور ابو مسلم خراسانی را بجنگ او فرستاده و عبدالله که شکست خورد ، پنهان گردید. سلیمان و عیسی برادران عبدالله بشفاعت برخواسته و منصور شفاعت آنانرا پذیرفته و حاضر برای دادن نوشته امان باو گردید . تنظیم این نوشته در عهده ابن مقفع گذاشته شد زیرا ابن مقفع چنانچه در متن هم اشاره شده منشی عیسی بن علی بود . و در تنظیم امان نامه راه افراط را پیمود . و در بعضی فصول آن نوشت : اگر امیر المؤمنین بعم خود عبدالله غدر کند زنانش بی طلاق بیزار ، و ستورانش وقف ؛ و بندگانش آزاد ، و مسلمانان از بیعت او ، یلهورها باشند ، این نامه را که برای توشیح نزد منصور بردند سخت بروی گران آمد و گفت چه کسی آنرا نوشته ، گفتند مردی بنام ابن مقفع کاتب عم تو عیسی ، منصور بسفیان والی بصره دستور کشتن او را داده و او هم ویرا تکه تکه کرده در آتش تنور انداخت (ر.ک. لغتنامه دهخدا ذیل ابن المقفع).

زمانیکه سفیان بن معاویه او را سوزاند ، روی موافقت نشان داده ، و خون بهائی نخواست و خودش بهدر رفت .

وی یکی از ناقلان فارسی عبری بوده و در این دو زبان مهارت و فصاحت داشته ، و چندین کتاب از فارسی عبری ترجمه کرده که از آن جمله است : کتاب خداینامه فی السیر . کتاب آئین نامه فی الایین^۱ . کتاب کلیله و دمنه . کتاب مزدک . کتاب التاج فی سیره انوشیروان . کتاب الاداب الکبیر - معروف بمافراجنس^۲ . کتاب الاداب الصغیر . کتاب الیتیمه - فی الرسائل . (کتاب رسائله . کتاب جوامع کلیله و دمنه . کتاب رسالته فی الصحابه) .

اخبار ابان لاحقی

ابان بن عبدالحمید بن لاحق بن عقیر^۳ رقاشی ، که خود و خانواده اش شاعر بوده ، و او در میان آنان ، در نقل کتابهای منشور بشعر مزدوج تخصصی داشته ، و از چیزهایی که نقل کرده است : کتاب کلیله و دمنه . کتاب سیره اردشیر . کتاب سیره انوشیروان . کتاب بلوهر و بوداسف^۴ . کتاب رسائله . کتاب حلم الهند .

قمامة بن یزید^۵

کاتب عبدالملک بن صالح . با بلاغت و فصاحت بود . و چون از عبدالملک نزد رشید سخن چینی کرد ، او هم با شکنجه و پراکشت ، و با تبر سرش را از بدن جدا کرد . از کتابهای اوست : کتاب رسائله .

هریر بن صریح

کاتب قمامة ، و مکنی بابوهاشم ، از مردم حاضر طی^۶ و از فصحاء و مترسلان بود ، و کتاب رسائله - او را من دیده ام که یکصد ورق بود .

اخبار علی بن عبیده ریحانی

یکی از بلیغان و فصیحانی است که بمأمون اختصاص داشت . و در تألیفات و تصنیفات خود

- ۱ - ف (فی الاصر) .
 ۲ - ف (بمافراجنس) .
 ۳ - ف (عفیر) .
 ۴ - ف (بردانیه) .
 ۵ - ف (زید) .
 ۶ - حاضر از احیاء بزرگ عرب است که بآن حاضر طی گویند (معجم البلدان) .

طریقه حکماء را پیروی میکرد. و متهم بزندقه شد، و از نویسندگان ماهری بود که با مأمون سرگذشتهائی داشت از جمله وقتی در حضور مأمون بود که پسر بچه طپانچه بصورت پسر بچه دیگر زده و مأمون آنرا میدید. و خواست بداند که علی نیز بآن توجهی داشته، از وی پرسید آیا دیدی. علی با دست اشاره کرد در حالیکه انگشتهارا از هم بعلاقت پنج دور داشته بود، یعنی پنج که عبری خمسه و تصحیف آن خمسه بمعنی طپانچه زدن است. و از این قبیل چیزهائی داشت که هوش و ذکاوت او را میرساند. وفاتش در... و این کتابها از اوست:

کتاب المصون. کتاب البرزخ. کتاب رائدالود^۱. کتاب المخاطب. کتاب الطارف^۲. کتاب الهاشمی. کتاب المعانی. کتاب الخصال. کتاب الناشی. کتاب الموشح. کتاب شمل والفة. کتاب الجد^۳. کتاب المتجلی. کتاب الصبر. کتاب سناء و بهاء^۴. کتاب الزمام. کتاب مهر آزاد و جشنش^۵. کتاب کیلهر اسف الملک. کتاب صفة الدنيا^۶. کتاب الاخوان. کتاب روساندک^۷. کتاب صفة الجنة. کتاب الانواع. کتاب الوشیح. کتاب العقل والجمال^۸. کتاب ادب جوانشیر. کتاب شرح الهوی و وصف الاخاء. کتاب الطاوس. کتاب المشجی^۹. کتاب اخلاق هارون. کتاب الاصناف. کتاب الخطب. کتاب الناحم. کتاب صفة الفرس. کتاب التنبیه. کتاب المشاکل. کتاب فضائل اسحاق. کتاب صفة الموت. کتاب السمع والبصر. کتاب الیأس و الرجاء. کتاب صفة النحل و البعوض. کتاب صفة العلماء. کتاب ابن الملک. کتاب المؤمل و المهیب. کتاب ورود و ودید الملکین^{۱۰}. کتاب المعاقبات. کتاب مدح النبید^{۱۱}. کتاب الجمل. کتاب الجمل. کتاب خطب المنابر. کتاب النکاح. کتاب الانواع. کتاب الاوصاف. کتاب امتحان الدهر. کتاب الاجواد. کتاب المجالسات (کتاب النبیه).

اخبار سهل بن هارون

سهل بن هارون بن راهیونی^{۱۲} از مردم دستمیشان^{۱۳}. بصره نقل مکان کرد، و از خادمان خاص مأمون گردید و تصدی خزانه الحکمه را داشت. حکیم و فصیح و شاعر ایرانی نژادی بود که از شعوبیان و متعصبان در ضدیت با عرب بشمار میرفت، و در این باره کتابها

- | | |
|--|-----------------------|
| ۱- ف (الرد). | ۲- ف (الطارق). |
| ۳- ف (الحد). | ۴- ف (سباء و بهاء). |
| ۵- ف (نهرارد حسیس). | ۶- ف (الرها). |
| ۷- در متن نقطه ندارد. | ۸- ف (العقل والجمال). |
| ۹- ف (الشبحی). | ۱۰- ف (الماکنین). |
| ۱۱- ف (الندییم). | ۱۲- ف (راهنوی). |
| ۱۳- دستمیشان شهرستان بزرگیست میان واسط و بصره و اهواز و باهواز نزدیکتر است (معجم البلدان). | |

و رساله‌های زیادی دارد. و (بی‌اندازه) بخیل و خسیس بود. و در همین زمینه رساله برای حسن بن سهل نوشته و در آن بخل را ستوده و او را باین امر ترغیب، و درخواست چیزی نیز از او نموده بود، حسن در پشت آن رساله نوشت: رساله‌ات رسید و بر نصیحت‌هایت آگاه شدیم. و پاداش آنرا پذیرفتن نصیحت و تصدیق گفتار تو قرار دادیم والسلام. و چیزی هم برایش نفرستاد.

ابو عثمان جاحظ برای وی برتری قائل بوده، و براءت و فصاحت او را ستوده، و در کتابهای خود از او نقل کرده است. تألیفات سهل بن هارون: کتاب دیوان الرسائل. کتاب ثعله و عفره^۱ بپیکره کلیله و دمنه. کتاب الهدایه و المخزومی. (کتاب شجرة العقل). کتاب النمر و الثعلب. کتاب الوامق و العذراء. کتاب ندود، و ودود، ولدود^۲. کتاب الضرتین^۳. کتاب اسباستوس^۴ فی اتخاذ الاخوان. کتاب الغزالین. کتاب ادب اشک بن اشک^۵. کتاب الی عیسی بن ابان فی القضاء. کتاب تدبیر الملك و السياسة.

سعد بن هریم^۶ کاتب

همکار سهل بن هارون در بیت الحکمه، و بلیغ و فصیح و نویسنده بود که جاحظ از وی نقل کرده، و از کتابهای اوست: کتاب الحکمة و منافعها. و مجموعه رسائلی نیز دارد.

سلم

با سهل بن هارون در بیت الحکمة همکار بود. و ترجمه‌هایی از فارسی به عربی دارد.

علی بن داود

کاتب زبیده مادر^۷ جعفر یکی از بلیغانی بود که در تألیفات خود رویه سهل بن هارون را داشت. و این کتابها از اوست: کتاب الجرهمیة و توکیل النعم^۸. کتاب الحرة و الامة. کتاب الظراف.

محمد بن لیث خطیب

مکنی با بو ربیع، که برای یحیی بن خالد کتابت میکرد، و از هواداران بنی امیه

۱- ف (عفراء).

۲- جب (ندود و ودود و د).

۳- ف (الضربین).

۴- ف (اسباسیوس).

۵- ف (اسیل بن اسیل).

۶- ف (هارون).

۷- ف (دختر).

۸- جب (وهو کتاب النعم).

و معروف بفقیه و مردی بلیغ، مترسل، کاتب، و متکلمی ماهر، و با گذشت بود، گویند با اندازه جوانمردی داشت که هیچ چیزی در نزد او ارزش نداشت. برمکیان ویرا گرامی داشته و نیکو مینواختند. و از زنادقه‌شمرده میشد. از کتابهای اوست: کتاب الهلیاجه فی الاعتبار. کتاب الرد علی الزنادقة. کتاب جواب قسطنطین عن الرشید. کتاب الخط والقلم. کتاب عظة هارون- الرشید. کتاب (الی) یحیی بن خالد فی الادب.

درباره وی جزاین، چیزهای دیگر گفته شده، و ابن حفص نوشته است: محمد بن لیث از بنی حصن و از سخن پردازان و بردگان بنی امیه بود، و تمایلی بضدیت با ایرانیان داشت. و بدین جهت مورد بغض برمکیان گردید. و در رساله‌هایش زبان پند و موعظه را بکار میبرد. و بخط ابن ثوابه خواندم، که محمد بن لیث خطیب دارای چندین رساله است. و او پسر آذرباذ بن فیروز بن شاهین بن اذر، هرمز بن هرمز (بن) سروشان بن بهمن افرندار است که نسبش بدارای شاه میرسید، و مجموعه رسائلی نیز دارد.

عتابی

ابو عمرو کلثوم بن عمرو بن ایوب ثعلبی عتابی، از مردم شام، مقیم قنسرین^۱، شاعر و نویسنده و نامه‌نگار خوبی بود. با برمکیان مصاحبت داشته، و از خاصان آنها بشمار میرفت. بعد بمصاحبت طاهر بن حسین، و علی بن هشام درآمد. گویند بعد از کشته شدن جعفر بن یحیی، و از میان رفتن نعمت برمکیان، رشید او را پذیرفته و گفت: عتابی، پشت سر من چه تازه‌هایی است، وی مرتجلا این اشعار نغز را در این معنا سرود.

من المَلِكِ أو ما نال یحیی بن خالد ^۳	اَسْرُكُ ^۲ اَنی نلت ما نال جعفر ^۳
مغصیها بالمشرفات البوادر ^۴	وَ اَنَّ اَمیر المؤمنین اغصنی
وَ لم اَتکلف هول تلك الموارِد ^۶	دَعینی تجئنی منیتی ^۵ مطمئنة
بمستودعات فی بطون الاساود ^۸	فان مشوبات الامور منوطة ^۷

- ۱- قنسرین قصبه‌ایست در ۲۵ کیلومتری جنوب حلب که در سال هفدهم هجری فتح گردید (قاموس الاعلام ترکی).
- ۲- ف (امنزل).
- ۳- ایا شادمان شوی که من دارائی جعفر یحیی بن خالد را پیدا کنم.
- ۴- و اینکه امیر المؤمنین مرا با شمشیر آبدار خود بهمان روزگار تیره و تار آنان بیندازد.
- ۵- ف (میتتی).
- ۶- بگذار بآرامی مرگ مرا بر باید و من بزحمت آن پیش آمدهای جان‌گداز نیفتم.
- ۷- ف (فان علیات الامور مشوبة).
- ۸- زیرا کارهای درهم و برهم بستگی بچیزهایی دارد که در دل شیر مردان نهفته است.

وی بهتر از هر کسی در نامه‌ها و شعرهایش پخته‌گی داشت و رویه نابغه را پیروی میکرد. وفاتش ... و این کتابها از اوست: کتاب المنطق . کتاب الاداب . کتاب فنون الحکم . کتاب الخیل ، نازک است . کتاب الالفاظ . این کتاب را ابو عمر زاهد از مبرد روایت کرده، و شگفت آور است . کتاب الاجواد .

عتبی

ابو عبدالرحمن محمد بن عبدالله بن عمرو بن معاویه بن عمرو بن عتبة بن ابوسفیان بصری. ابو عینا گوید: عمرو بن عتبه را در نسب او گنجانیده‌اند. عتبی از هر کسی فصیح‌تر بود، خود و پدرش، دویزر گوار، و دو ادیب فصیحی بودند. و عتبی طبع شعر هم داشت که پدرش آن را نداشت. گویند: وقتی بخانه اسماعیل بن جعفر آمده، و اجازه دخول خواست غلامانش گفتند بحمام رفته است او گفت:

و أمير إذا أراد طعاماً
فیکون الجواب مني إلى الحاجب
قال غلمانہ آتی الحماما ۲
ما إن أردت الإسلاماً ۳
لست أتيکم من الدهر إلا
کل يوم یكون ۴ فيه صياماً ۵

عتبی در سال دویست و بیست و هشت وفات یافت و این کتابها از اوست: کتاب الخیل . کتاب (اشعار) الاعاریب و اشعار النساء اللاتی احببن ثم ابضغن (کتاب الذبیح) . کتاب الاخلاق .

نام کاتبان مترسلی که نامه‌هایشان را

روایت ۶ کرده‌اند

قاسم بن صبیح (کم) . یحیی بن خالد (کم) . فضل پسر یحیی (کم) . جعفر پسر یحیی (کم) . قاسم ۲ بن ابوصالح (کم) . یوسف بن قاسم (کم) . یعقوب بن نوح (کم) . یوسف لقوه (کم) . فضل بن سهل - زیاد . حسن بن سهل (کم) . محمد بن بکر (کم) . احمد بن منجم - زیاد . احمد بن یوسف کاتب مأمون (که بوزارت هم رسید) زیاد .

۱- ف (مضی) . ۲- وامیری که چون طعام بخواهم حاجبش گویدم که رفت بحمام.

۳- در جوابش من این چنین گویم کامدم من برای عرض سلام .

۴- ف (ترون) . ۵- بچنین در گهی نیارم روی . خبر همان روزهای ماه

۶- جب (دونت) . ۷- جب (الفیض) .

ابو اسحاق ابراهیم بن عباس

بن محمد بن صول کاتب ، یکی از بلیغان و شاعران فصیحی است که در دوران دستة از خلفاء تصدی دیوان رسائل را داشته و از ظرفاء و بزرگان بود ، ابو تمام گوید : اگر هر آینه همت ابراهیم در خدمت بسلاطین ویرا بآن پایه بالا نمیبرد ، برای شاعران نانی بجا نمیماند یعنی شعرش بآن پایه خوب بود . این کتابها از اوست : کتاب رسائل . کتاب الدوله . بزرگ است . کتاب الطبیخ . کتاب العطر ..

حسن بن وهب

ابن سعید بن عمرو بن حصین بن قیس بن قنان بن متی . و قنان کاتب یزید بن ابوسفیان در زمان حکمرانیش در شام بود ، و بعد برای معاویه کتابت میکرد ، و معاویه او را به یزید داده ، و در خلافت یزید وفات یافت ، یزید فرزند او را بنام قیس بکتابت گمارد ، و قیس برای مروان و عبدالملک ، و پس از آنان ، برای هشام کتابت کرده ، و در زمان هشام وفات یافت . وهشام فرزند او حصین را بکتابت برگزید سپس کاتب مروان شد ، (و با او بمصر رفت ، مروان که کشته شد) نزد ابن هبیره رفته ، و ابن هبیره از ابوجعفر برای او زینهار نامه گرفته و او هم در خدمت منصور و مهدی بود ، تا آنکه در راه ری وفات یافت ، و مهدی پسر او عمر را بکتابت برگزید ، و مدتی هم کاتب خالد بن برمک بود ، تا وفات یافت ، و سعید جای او را گرفته ، و همیشه در خدمت خاندان برمک بود ؛ فرزندش وهب بهر طرفی روی آورد ، مدتی نزد جعفر بن یحیی کتابت کرد ، بعد در دستگاه ذوالریاستین درآمده و ذوالریاستین درباره او میگفت : من عجب دارم از کسیکه وهب با او باشد ، و او اهتمامی بخود نداشته باشد . پس از ذوالریاستین ، حسن بن سهل او را کاتب خود نمود و کار کرمان و فارس را با او گذار کرد تا بآن سرو صورتی دهد ، و هنگامیکه او را از فم الصلح^۱ برسالت نزد مأمون فرستاد در راه بغداد - فم الصلح غرق شد . سلیمان در سن چهارده سالگی بکتابت مأمون برگزیده شد ، و بعد برای ایتاخ ، و اشناس کتابت کرده ، و در دوران معتمد بمقام وزارت رسید . و نامه هایش بصورت کتابی جمع آوری شد . اما حسن بن وهب برادر سلیمان ، کاتب محمد بن عبدالملک زیات بود . و ریاست دیوان رسائل را داشت ، و شاعری بلیغ ، و نامه نگاری فصیح ، و یکی از نویسندگان ظریف و بذله گوئی بوده و نامه هایش بصورت کتابی جمع آوری شده است .

ابن عبدالملك زیات

نامش محمد بن عبدالملك بن ابان (زیات) ، و ابان از مردم دهکده دسکره^۱ در جبل^۲ بود که در آنجا روغن جمع کرده و بیفداد میآورد . و محمد از شاعران بلیغی است که در زمان سه خلیفه، معتصم ، واثق ، و متوکل مقام وزارت را پیدا کرد ، و متوکل پس از چهل روز از خلافتش او را دستگیر و بقتل رسانید ، و ما بشرح حال او در جای دیگر خواهیم پرداخت . وفاتش در سال دویست و سی و سه ؛ و از کتابهای اوست: کتاب رسائل .

قاسم بن یوسف

برادر احمد بن یوسف ، شاعر ، و مترسل ، و دارای کتاب رسائل است .

عمر و بن مسعد

بن سعید^۳ (بن . . .) از وزراء مأمون ، و مرد بلیغ و شاعر و مترسلی بود . و کتاب رسائل بزرگی دارد .

سعید بن وهب کاتب

این شخص از خاندان وهب بن سعید نیست و از نژاد ایرانیان است . و این کتابها از اوست : کتاب رسائل . کتاب دیوان شعره .

حرانی

ابوالطیب عبدالرحیم بن احمد حرانی ، از شاعران و مترسلان بلیغ ، و کتاب رسائل . و کتاب فی البلاغه از اوست .

ابوعلی بصیر

شاعر و بلیغ و مترسل بود ، و میان او و ابوالعیناء مهاجرات و مکاتبات نیکوئی مبادله شده و در این باره اشعاری نیز دارد . و کتاب رسائل . کتاب دیوان شعره از اوست .

۱- دسکره نام چند محل است و در اینجا مراد دهکده ایست که در مقابل جبل است (معجم البلدان) .

۲- جبل بفتح جیم و تشدید باء و ضم ل دهکده بزرگی است میان نعمانیه و واسط که سابقاً شهری بوده و قاضی آن ضرب المثل شده است (ر.ک. معجم البلدان) .

۳- ف (عمر و بن سعید بن مسعد) .

یوسفی

ابوالطیب محمد بن عبدالله، از فرزندان احمد بن یوسف کاتب است، که کتابت مأمون را داشت، و رساله‌هایش شهرتی پیدا کرد، و در شمار مترسلان بلیغی بود. این کتابها از اوست :
 کتاب الفصول فی الرسائل المختاره : کتاب رسائله خاصه

بنو مدثر

احمد ، و محمد ، و ابراهیم . که همه شاعر و مترسل و بلیغ بودند . احمد کتابی بنام کتاب المجالسه والمذاکره دارد .

هارون بن محمد

ابن عبدالملك زیات، مکنی بابو موسی ، در جمع آوری اخبار اهتمامی داشته و یکی از راویان بود . و این کتابها از اوست : کتاب اخبار ذی الرمه : کتاب رسائله .

سعید بن حمید

مکنی بابو عثمان ، کاتبی بود شاعر و نامه نگاری شیرین گفتار، در هنر خود برجستگی داشت . در ربودن از دیگران مهارت بخرج میداد ، و بسیار بعاریت^۱ میگرفت . و اگر بسخنان سعید و اشعارش میگفتند بخانه خود برگرد ، چیزی برای او باقی نمیماند . و این سخن از احمد بن ابوطاهر درباره گفته‌های اوست . وی مدعی بود که از شاهزادگان ایرانست . این کتابها از اوست : کتاب انتصاف العجم من العرب که معروفست بتسویه . کتاب دیوان رسائله . کتاب دیوان شعره والصراعه^۲ . و هر يك از احمد و ابراهیم نیز کتاب رسائلی داشتند .

ابراهیم بن اسماعیل

ابن داود کاتب . که در براعت و بلاغت بر هر کسی برتری داشته و دارای : کتاب رسائل است .

سعید بن حمید بختکان

مکنی بابو عثمان ، بسیار با هوش و متکلمی فصیح ، و از تبار کهن ایران بود، و عصبيت

۱- ف (کثیر الاغاره) جب (کثیر الاغاره) .
 ۲- ف (والمصارعة) .

شدیدی علیه عربها داشت . و این کتابها از اوست : کتاب فضل العجم علی العرب و افتخارها . کتاب رسائله . و در کلام نیز کتابهایی دارد که در جای خود ذکر خواهیم کرد .

حمید بن مهران کاتب

اصفهانی است و برای برمکیان ، در مدت زندگانشان کاتب میگرد . و دارای کتاب رسائل است .

ابن یزداد

ابو عبدالله محمد بن یزداد بن سوید ، وزیر مأمون ، بلیغ ، مترسل ، و شاعر بود ، از کتابهای اوست : کتاب رسائل . کتاب دیوان شعره .

محمد بن مکرم

کاتبی بلیغ و مترسل ، و دارای کتاب رسائل است .

ابوصالح

عبدالله بن محمد بن یزداد بن سوید ، یکی از کاتبان بلیغ است (و فرزندش ابو احمد عبدالله بن محمد بن یزداد کتاب البارع تألیف پدرش را تا سال سیصد با تمام رسانید) و این کتابها از اوست : کتاب التاریخ . کتاب رسائله .

میمون بن ابراهیم کاتب

در دوران متوکل تصدی نامه‌های ویژه او را داشت ، و از نامه‌نگاران فصیح و بلیغی بوده و دارای کتاب رسائل است .

موسی بن عبدالملک

در دوران متوکل دیوان سواد^۱ و جز آن با او بود ، و از نامه‌نگارانی است که چیز کمی از نامه‌های او را دیده‌ام .

۱- سواد بد و محل اطلاق میشود یکی ناحیه‌ایست نزدیک بلغاء که برای سیاهی سنگهایش آن را سواد گویند و یکی رستاق و کشتزارهای عراق برای سیاهی کشتزارها و نخلستانها و باغاتش (معجم البلدان) .

ابن سعید قطربلی

ابوالحسن احمد بن عبدالله بن حسین بن سعید بن مسعود قطربلی ، از علما و فضلا ، نویسندگان ، و این کتابها از اوست : کتاب التاریخ - که آنرا تا زمان خود تألیف کرده است . کتاب فقر البلاء . کتاب المنطق .

نطاحه

ابوعلی احمد بن اسماعیل بن خصیب انباری ، کاتب عبیدالله بن عبدالله ابن طاهر ، و قبل^۱ از او برای محمد بن طاهر کتابت میکرد . بلیغ ، و مترسل ، و شاعر ، و ادیب برجسته در هنر بلاغت بود و بیشتر نامه‌ها را از طرف خود بدوستانش مینوشت ، و میان او و ابوالعباس بن معنز نامه‌ها و جوابهایی مبادله شده است . دیوان رسائلی در حدود هزار ورق دارد که مشتمل بر مراسلات گوناگون بسیار خوبی است . و کتاب الطبیخ . کتاب طبقات الکتاب ، از اوست ، و نیز کتابی دارد که آن را - المجموع المنقول من الرقاع - نامیده^۲ و مشتمل بر - مسموعاتش از علماء و مشاهداتی است که از اخبار بزرگان داشته است . کتاب صفة النفس . کتاب رسائله الی اخوانه .

ابن فضیل کاتب

ابوالحسن علی بن حسین بن فضیل بن مروان ، نژادش فارسی ، و از کتابهای اوست : کتاب الاصنام و ما کانت العرب والعجم تعبد من دون الله تبارک اسمہ .

ابوالعیناء

محمد بن قاسم بن خلاد . فصیح و بلیغ ، و حاضر جواب ، و در پاسخ دادن سرعتی داشته ، و شاعر بود . در آخر عمر نابینا گردید . میان او و ابوعلی بصیر ، و همچنین ابو- هفان ، نامه‌ها و هجوهای مبادله شده ، و مردم عسکر از زبانش بیمناک بودند ، وی از اصمعی و سایر علما روایتهائی کرده است . وفاتش در سال دویست و هشتاد و اندی بوده ، و این کتابها از اوست : کتاب اخبار ابی العیناء که ابن ابوطاهر آنرا تألیف کرده . کتاب شعر ابی العیناء - در حدود سی ورق .

۱- ف (وقته محمد بن طاهر) جب (وقبله محمد بن طاهر) .

۲- ف (اسماء المجموع ...) جب (سماء) .

این نسخه را بخط ابو علی بن مقله یافتیم

و مقتضی میدانم بهمان ترتیب و الفاظش

در اینجا بیاورم

نام خطباء

امیر المؤمنین علی علیه السلام . طلحة بن عبیدالله . (عبدالله بن زبیر) . عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب . خالد و اسماعیل پسران عبدالله قسری . یزید بن خالد بن عبدالله^۱ . و جریر بن یزید بن خالد . خالد بن صفوان . عبدالله بن اهتم . ابن قسریه^۲ . صعصعة بن صوحان . محمد بن قیس خطیب - زیاد بن ابوسفیان . قطری بن فجاء . ولید بن یزید . ابو جعفر منصور . مأمون . شیب بن شیبه . عباس بن حسن علوی و عبدالله پسر او^۳ محمد بن خالد بن عبدالله قسری . شبة بن عقال .

نام بلیغان

ابومروان غیلان، سالم کاتب^۴ هشام بن عبدالملک (که از خویشان زن عبدالحمید بود) عبدالحمید بن یحیی کاتب مروان . خالد بن ربیعہ سوقی^۵ . عبدالوهاب بن علی - که در دوران بلال بن ابوبرده بود . عماره بن حمزه . یحیی و محمد پسران زیاد حارثی از فرزندان حارث بن کعب . حجر بن سلیمان حرانی . محمد بن حجر کاتب عباس بن محمد . جبل بن یزید، کاتب عماره بن حمزه . مسعده ابوعمر و ، عبدالجبار بن عدی ، و مسعده بن خالد ، کاتبان منصور . یونس بن ابوذروه ، که برای عیسی بن موسی کتابت داشت . رقاشی . سهل بن هارون متصدی بیت الحکمه مأمون . سعید بن هریم^۶ ، همباز سهل بن هارون در بیت الحکمه . عبدالله بن خاقان . جعفر بن محمد بن اشعث . عبیدالله بن عمران ، که برای گروهی کتابت کرده و آخرین نفر آنها فضل بن یحیی بود . ابن ادهم ، کاتب ابومحزم^۸ . ابو ربیع محمد بن لیث . غسان بن عبدالحمید مدینی ، که برای جعفر بن سلیمان در مدینه کتابت میکرد . خطاب برده

۱- ف (یزید بن عبدالله بن خالد) . ۲- ف (القریه) .

۳- ف (عبدالله پسر او - را پس از محمد بن خالد بن عبدالله قسری آورده) .

۴- ف (مولی) . ۵- ف (الشرقی) . ۶- ف (هارون) .

۷- ف (هبة الله) . ۸- ف (احدهم) . ۹- جب (ابومجرم) .

سلیمان بن ابوجعفر . (ودوستاندار او)، ابن اعین کاتب^۱ . ابو ... شامی^۲ کاتب ولید بن معاویه . خطاب بن ابوظباب ، که از خود داعیه داشته و درباره خود مینوشت ، عبید بن حریش^۳ کاتب . کلثوم بن عمرو عتابی ، از ادبائی که درباره خود مینوشت . ابومسلم شامی . قمامه کاتب عبدالملک بن صالح . اسحاق بن خطاب کاتب قمامه بن زید . هریر بن صریخ کاتب عبدالملک بن صالح . ابوروح کاتب علی بن عیسی ، جانشین یوسف بن سلیمان . ابن عبادیه . محمد بن حرب ، کاتب مخلوع^۴ . احمد بن یوسف . مسلم کاتب خزیمه بن خازم . اسماعیل بن صبیح . ابوعبدالله کاتب مهدی . محمد بن سعید ، در دوران مأمون . بکر بن فیض بن عبدالحمید تمیمی در دوران بلال بن ابوبرده . قاسم بن محمد - که او نیز در دوران بلال بود . بشر بن ابوبشاره^۵ . ابونجم حبیب بن نجم ، در دوران مهدی . مطرف بن ابومطرف لیثی . ابراهیم بن اسماعیل ، استاد محمد بن مکرم . یوسف بن سلیمان ، کاتب (علی) . ابوحوط^۶ کاتب هریر بن صریخ . حمزه بن عقیف بن حسن ، کاتب طاهر بن حسین . مسلم بن صدقه شامی . ابوهاشم حرانی .

بلیغ تر از همه مردم ده نفرند

عبدالله بن مقفع . عماره بن حمزه (جبل بن یزید) . حجر بن محمد . محمد بن حجر . انس بن ابوشیخ ، که احمد بن یوسف کاتب بر او تکیه داشت . سالم . مسعده . هریر . عبدالجبار بن عدی . احمد بن یوسف^۷ .

بلیغانی که بعد پیدا شدند

ابراهیم بن عباس (صولی) ، حسن بن وهب . سعید بن عبدالملک .

بهترین کتابها در نظر همه

عهد اردشیر . کلبله و دمنه . رساله عماره بن حمزه . یتیمه ابن مقفع . رساله الخمیس^۸ . احمد بن یوسف کاتب .

۱- ف (این نام را متصل بنام پیش آورده) . ۲- ف (ابوالسامی) .

۳- ف (عبدالله بن خراش) .

۴- ظاهرأ مراد مقتدر بالله هجدهمین خلیفه عباسی است (ر.ک. قاموس الاعلام ترکی) .

۵- ف (ابی ساره) . ۶- ف (کاتب ابی حوطه کاتب هریر بن صریخ) .

۷- با اضافه - جبل بن یزید - یازده نفرند . ۸- ف (رساله الحسن) .

موضوعاتی که در آنها تالیفاتی شده

در موضوعات عمومی^۱ . در فتحها . در هزیمتها . در سلامت . در طاعت . در شریعت . در شکر گذاری . در حکمرانی . در پیمان و عهد . در مشورت . در عصبیت . در باران . در زلزله و تکان زمین . در بیعت . در صلح . در ناسزا گوئی . در حاجات . در رضا . در مودت . در گله گذاری . در پوزش و عذرخواهی . در وثیقه . در تهنیت . در هدیه . در قضاوت . در تعزیت . در جهاد . در مواسم^۲ . در عیادت از بیماران ... در آرزوها . جواب فتوحات . نامه‌هایی که از طرف پادشاهان بپادشاهان جهان نوشته شده . در ناکسان و نامردان . در آتش‌سوزی (در جنگ) در استسقاء . در پاداش و صله . در زینهار . در شوق و اشتیاق - و آن چیزهایی که مربوط بانجام کار است چون دیدن ماه ، اعیاد ، عزلت ، طلب حاجت ، دوری از مردم . و دادخواهی .
این بود آنچه را که ابن‌مقله نوشته است .

غسان^۳ بن عبدالحمید

برای جعفر بن سلیمان^۴ بن علی کتابت میکرد . بلیغ و گفتاری شیرین و معانی نمکین داشت و کتابهایش تدوین گردید و از کتابهای او کتاب رسائل است .

محمد بن عبداللہ بن حرب

کاتب حسن بن قحطبه در ارمنستان ، و بعد از قحطبه برای یزید بن اسید و سپس برای فضل بن یحیی کتابت میکرد . و کتاب رسائلی دارد .

بکر بن صرد^۵

کاتب یزید بن مزید ، و با بلاغت بوده ، و کتابهای مشهوری دارد ، هموست که از طرف یزید بن مزید هنگام وفات برمک^۶ برشید نامه نوشت . کتاب رسائل . و کتاب الرسالة المزیدیه الی الرشید - از اوست :

۱- در متن فی‌العامه است و عامه معانی مختلفی دارد که بنظر ما در اینجا همانست که آورده‌ایم .
۲- موسم گرد آمدن در یکجا و بیشتر در وقت اجتماع حاجیان در مکه استعمال میشود جمع آن مواسم است (اقرب‌الموارد) .
۳- جب (عیسان) . ۴- ف (سلیم) . ۵- ف (صود) . ۶- جب (یزید) .

ابوالوزیر

عمر بن مطرف کاتب ، از عبدالقیس و از مردم مرو^۱ و متصدی دیوان المشرق^۲ در دوران مهدی و هادی ورشید بود، و برای منصور و مهدی کتابت میکرد . وفات او را در دوران مهدی دانسته‌اند و صحیح آن است که در دوران رشید در گذشت و او هم بسیار اندوهگین گردید . وی مردی موثق ، و در هنر خود مقدم ، و بلیغ و راویه بود . و این (کتابها) از اوست : کتاب منازل العرب و حدودها و این کانت محلة کل قوم والی این انتقل منها . کتاب رسائل ابی^۳ الوزیر . کتاب مفاخرة العرب و منافرة القبائل فی النسب . رشید که بروی نماز گذارد ، گفت : خدا تورا بیامرزد ، بخدا سوگند که برای تو کارهایی پیش نیامد که یکی برای خدا و یکی هم برای خودت باشد و تو آنرا که برای خدا بود ، بر آن که برای خودت بود ترجیح نداده باشی .

فضل بن مروان

بن ماسرجس^۴ نصرانی ، و از دهکده بود معروف بنیلی^۵ که در منطقه نهر بوق^۶ است و عمرش بنودوسه سال رسید . بمأمون و معتصم خدمتها کرده ، و در دوران معتصم وزیر شده ، و بعد بخلفا بعد از او هم خدمتها کرده است . در علم کم مایه بود : ولی معرفت خوبی بچگونگی خدمت بخلفاء را داشت . این کتابها از اوست : کتاب المشاهدات والخبار التي شاهدها و رآها (ورواها) . کتاب رسائله .

جرهشیاری

ابوعبدالله محمد بن عبدوس ، یکی از نویسندگان اخباریان و نامه نگار بود . و این کتابها از اوست : کتاب الوزراء والکتاب . کتاب میزان الشعر والاشتمال علی انواع العروض

۱- رجوع کنید به صفحه ۱۹۲ همین کتاب . ۲- جب (السرف) .
 ۳- ف (الی) . ۴- ف (ماسرخس) . ۵- ف (سلی) و برای نیلی رجوع شود به صفحه ۱۰۹ همین کتاب .
 ۶- نهر بوق در ناحیه بغداد و نزدیک کلوازا بوده و عقیده دارند کلوازا در طرف جنوبی و نهر بوق در طرف شمالی بغداد است . (معجم البلدان) .

(گروهی)

شیلمه

محمد بن حسن بن سهل کاتب. و شیلمه لقب اوست. در ابتدا با علوی بصری بود، بعد بیغداد آمده و با برخی از خوارج آمیزش داشته و برای آنها کوشش مینمود. معتضد او را بر عمود خیمه‌اش کردناج^۱ کرد. این کتابها از اوست: کتاب اخبار صاحب الزنج و وقایع. کتاب رسائله.

ابن ابواصبغ

ابوالعباس احمد بن محمد بن ابواصبغ. و از کتابهای اوست: کتاب القلم^۲ و شرف الکتابه. در حدود پنجاه ورق. و نامه‌های کمی هم دارد.

ابن ابوالسرج

ابوالعباس احمد بن ابوالسرج^۴. و از کتابهای اوست: کتاب القلم^۵ و ماجاء فیه. و رساله‌هایی هم دارد.

اسحاق بن سلمه

کاتبی است فارسی. و از کتابهای اوست: کتاب فضل العجم علی العرب. و رساله‌هایی

هم دارد.

موسی بن عیسی کسروی

و این کتابها از اوست: کتاب حب الاوطان. کتاب مناقضات من زعم انه لا ینبغی ان یقتدی القضاة فی مطاعهم بالائمة و الخلفاء.

- ۱- ف (وکان مصلوبا علی عمود خیمته) جب (فحرقه المعتضد کردناجا علی عمود خیمته).
و کردناج، فارسی بمعنای قسمی از کباب است که گردان و گردانیده نیز گویند (فرهنگ نفیسی).
۲- ف (العلم).
۳- ۴- ف (ابن ابوالسرج).
۵- ف (العلم).

یزدجرد بن مهینداژ کسروی

در دوران معتضد بود ، و این کتابها از اوست : کتاب فضائل بغداد و صفتها . کتاب الدلائل علی التوحید من کلام الفلاسفه (و غیرهم . کتاب بزرگیست که آنرا بخطش دیده‌ام) .

گروه دیگر

داود بن جراح

پدر بزرگ ابوالحسن علی بن عیسی ، برای مستعین کتابت میکرد . و این کتابها از اوست : کتاب التاریخ و اخبار الکتاب . کتاب الرسائل .

محمد بن داود جراح

مکنی بابو عبدالله ، در زمانش از وی فاضلتر دیده نشد . عبدالله بن معتز در اولین روز خلافتش او را بوزارت برگزید . دانشمندی بود که مردمانی را دیده داشت . و از علما و فصحاء و شعرا آموخته ، و بخط خود نوشته‌هایی دارد که از شماره بیرون است ، و خود او آنها را میخواند و اصلاح میکرد . پس از فتنه ابن معتز^۲ برسوسن^۳ خادم درآمد ، و او هم در کارش اقداماتی داشت ، و چون ابوالحسن بن فرات از وی بیمناک بود ، اشاره بقتلش نموده ، و او را کشتند و بیرون آورده و کنار سقاخانه^۴ نزدیک باب مأمونیه^۴ انداختند که از آنجا ویرا بخانه‌اش بردند و این کتابها از اوست : کتاب الورقه فی اخبار الشعراء - که برای ابن منجم نوشت . کتاب الشعر والشعراء - نازک است . کتاب من سمی من الشعراء عمر^۵ فی الجاهلیه والاسلام . کتاب الاربعه بپیکره کتاب ابوهفان . کتاب الوزراء .

علی بن عیسی

ابن داود بن جراح . در ریاست بانداژه بلندمرتبه بود که بتعریف و توصیف نیاید . و

۱- ف (مهیندان) .

۲- ابن معتز فقط یک روز خلیفه بود . روز بعد طرفداران مقتدر پیروزی یافتند ، و ابن معتز در خانه ابن جصاص گوهری پنهان گردید . و در دوم ربیع الثانی دستگیر و بامر مقتدر کشته شد (لغتنامه دهخدا - ابن معتز) . ۳- ف (مونس) . ۴- مأمونیه از محله‌های بغداد است ابتدا کاخ جعفر بر مکی آنجا بود . بعد مأمون آنجا را مقر خود قرارداد و بمأمونیه معروف گردید و تمام آن محله باین نام خوانده شد (دلیل خارطة بغداد ص ۱۲۳) . ۵- ف (عمرو) .

در هنرمندی و عفاف^۱ شهرت و جلوه بسزائی داشت . سه مرتبه وزیر مقتدر گردید (ونسبش ابوالحسن است) وی در همان روزی وفات یافت که در صبح آن معزالدوله ازدجمله عبور کرد^۲ و آن روز معمعه^۳ در نیمه ماه ذیحجه بود ؛ و در خانه اش بخاک سپرده شد . این کتابها از اوست : کتاب جامع الدعاء ، کتاب معانی القرآن و تفسیره . و در این کار ابوالحسین^۴ خزاز ، و ابوبکر بن مجاهد او را کمک کرده اند . کتاب الکتاب و سياسة المملکه و سيرة الخلفاء .

فرزندش ابوالقاسم

عیسی بن علی ، یگانه عصر خود در منطق و علوم باستانی بود . ولادتش در ... و از کتابهای اوست : کتاب فی اللغة الفارسیه .

ابوالقاسم عبدالله بن علی

ابن محمد بن داود بن جراح ، معروف با بن اسماء خواهر علی بن عیسی . کاتبی فاضل و مترسل بود ، و این کتابها از اوست : کتاب الاستفاده فی التاریخ . کتاب البیان و تقویم اللسان .

عبدالرحمن بن عیسی

برادر ابوالحسن ، کاتب فاضلی بود ، و با مشورت برادرش که از وی پشتیبانی میکرد ، وزیر مقتدر گردید و نظارت در کارها با (ابوالحسن) علی بن عیسی بود . و این کتابها از اوست : کتاب سيرة آل الجراح^۵ و اخبارهم و انسابهم فی القديم والحديث . کتاب التاریخ از سال دو بیست و هفتاد تا زمان او . کتاب الخراج - بزرگ ، و ناتمام .

ابن عمر مرم

ابوالقاسم بن عبدالله ، که در بطائح^۶ نزد عمران ، (بطور مشکوک) وفات یافت . و از کتابهای اوست : کتاب الخراج . و نام آنرا ...

- ۱- ف (والفقه) جب (والعفة) . ۲- در سال ۳۳۴ هجری معزالدوله احمد بن بویه ببغداد آمده خلیفه مستکفی را خلع و چشمانش را میل کشید و مطیع لامرالله را بجای او گذاشت (قاموس الاعلام ترکی) . ۳- ف (جمعه) و معمعه آواز دلیران است (فرهنگ نفیسی) .
- ۴- (ابوالحسن) . ۵- ف (اهل الخراج) .
- ۶- بطائح میان واسط و بصره است (معجم البلدان) .

مطوق

علی بن فتح ، کنیه اش ابوالحسن^۱ و از کتابهای اوست : کتاب الوزراء - که آنرا در دنبال کتاب محمد بن دازدین جراح ، تا دوران ابوالقاسم کلواذانی ، تألیف کرده است .

ابن حرون

این کتابها از اوست : کتاب فضل نظم القرآن . کتاب الرسائل .

مرثدی

ابو احمد بن بشر مرثدی بزرگ ، همان کسی است که ابن رومی اشعاری در ماهی^۲ برایش فرستاده و با همدیگر شوخی داشتند . مرثدی کاتب موفق در کارهای ویژه اش بود و این کتابها از اوست : کتاب الانواء - کتابی است بزرگ و در نهایت خوبی . کتاب اشعار قریش . وصولی در نوشتجات خود بآن تکیه داشت و آنرا بنام خود نموده است ، و من (دستور) آنرا بخط مرثدی دیده ام .

خاندان ثوابه بن یونس

دودمانشان نصرانی ، و گویند یونس معروف به لبابه بود و حجامت میکرد . و بقولی مادرشان لبابه است . ابوسعید وهب بن ابراهیم بن طازاد برای من حکایت کرد که ، علی بن حسین و ابوالعباس احمد بن محمد بن ثوابه در کشت زاری گفتگو و منازعه داشتند و در خانه یکی از رؤسا . که گویا عبیدالله بن سلیمان باشد مجلسی نمودند و علی بن حسین گفتگو با ابوالعباس را در آن مجلس بپراورش ابوالقاسم جعفر بن حسین واگذار کرد . ابوالعباس زبان بدشنام و استهزاء گشوده و از جمله سخنانش این بود ، که شما با ربودن مال مردم^۳ زندگانی مینمائید . علی بن حسین دست کودک زیبایی را که همراهش بود گرفته ، و در جای خود ایستاده ، و سر را برهنه نموده ، و با صدای رسا گفت : ای گروه نویسندگان ،

۱- جب در حاشیه (بالای ابوالحسن نقطه گذاشته و نوشته است این کلمه بخط مصنف نیست) .

۲- ف (فی السهك) که بمعنی بوی بد - و جب (فی السمك) بمعنی ماهی .

۳- ف (وانما بققتم بالبربره) جب (وانما نفقتم بالبزبزه) و بزبزه ربودن چیز است (منتهی الارب) .

شما مرا میشناسید ، و این کودک فرزند من از فلان دختر فلانی است ، که بطلاق حرج و سنت^۱ بر همه مذاهب ، مطلقه باشد ، اگر این علامتی که در رگهای پشت من است از علامات جد او فلان مزین^۲ نباشد و دیگر نخواست کنیه جد ابن ثوابه را صراحتاً گفته باشد ، ابوالعباس چنان شرمنده و خجل گردید که ندانست چه جوابی گوید^۳ و دیگر درباره آن کشتزار سخنی نگفته ، و بی گفتگو آن را واگذار کرد . و مجلس آرمیدگی و وقاری^۴ بخود گرفت .

ابوالعباس از زمره کسانی بود که مردم صحبتش را خوش نداشتند و مبنغوض همه بود . ویرا سخنان ناهنجار و زشتی است که تدوین شده ، و از آن جمله است : برای من گلاب بیاورید تا دهانم را از گفته‌های حاجم^۵ بشویم . و از جمله ، وقتی که امیرالمؤمنین را دید گفت : مردم درس گو شدند و قلم گرفتند ، و پیش افتادند و وزیر شدند .

ابوالعباس در سال دویست و هفتاد درگذشت . و کتاب رسائل مجموع . کتاب رساله فی الكتابة والخط . از اوست .

ابوعبدالله محمد

بن احمد ثوابه ، نامه نگار بلیغی بود ، و کتابت میکرد^۶ . و دارای کتاب رسائل است که جمع و تدوین شده .

ابوالحسین بن ثوابه

آخرین نفر از فضلاء علماء این خاندان است که ما دیده‌ایم . و دارای کتاب رسائل است .

قدامة بن جعفر

قدامة بن جعفر بن قدامة ، نصرانی بود ، و بردست مکتفی بالله اسلام آورد ، و یکی از

۱- طلاق حرج بمعنی طلاق تحریم آور است . و طلاق دو قسم است ، طلاق البدعه ، و طلاق السنه ، طلاق البدعه اقسام سه گانه دارد که نزد شیعیان باطل است . و طلاق السنه سه قسم است . باین ورجعی و طلاق عده ، (ر.ک. کتاب الطلاق شرائع ، چاپ محمدرحیم) .

۲- مزین - سرتراش . حجامت کننده (فرهنگ نفیسی) .

۳- ف (لم یجر جوابا) جب (لم یجر جوابا) . ۴- ف (و تفرق اهل المجلس عن ذلك)

جب (وتوقر المجلس عن ذلك) . ۵- ف (حاجم) .

۶- ف (قل قدرایسوا) جب (الناس قد تدرأسوا) .

۷- ف (وکان کتب للمعتضد) جب (وکان یکتب) .

فصیح و فلاسفه با فضلی است که در علم منطق انگشت نما بود. درباره پدرش چیزی نقل نشده^۱ و معلوماتی نداشت. و این کتابها از قدامه است: کتاب الخراج - در هشت منزل، و نهمین منزل را هم بر آن افزود. ^۲ کتاب نقد الشعر. کتاب صابون الغم. کتاب صرف الهم. کتاب رسالته فی علی بن مقله، که معروف - بالنجم الثاقب است. کتاب جلاء الحزن. کتاب دریاق - الفكر - فیما عاب به ابا تمام. کتاب السياسة. کتاب الرد علی ابن المعتز. کتاب حشو - حشاه الجلیس. کتاب صناعة الجدل. کتاب نزهة القلوب وزاد المسافر.

ابن حماده^۳

ابوالحسن احمد بن محمد بن حماده^۴ کاتب، در ادبیات خوب، و نویسنده فاضلی بود. در ادب کتابها تصنیف کرده و ادیبان را دیده، و این کتابها از اوست: کتاب امتحان - الكتاب و دیوان ذوی الالباب کتاب الرسائل.

کلواذانی

ابوالقاسم عبیدالله بن احمد بن محمد بن عبدالله بن حسین بن (ابو) الحسن بن خسرو بن فیروز بن آزی بن مهر آذان، از دودمان اردشیر بن بابک^۵ کلواذانی^۶، متصدی دیوان السواد و جانشین علی بن عیسی، و بر بزرگان، نویسندگان ریاست داشت، و بعد اسماً وزیر گردید. و در ابتدا در دیوان ابن فرات نشو و نما یافته بود. تولدش پیش از سال سیصد، و وفاتش در ... و از کتابهای اوست: کتاب الخراج - دو نسخه است اولی را در سال بیست و شش، و دومی را در سال سیصد و سی و شش تألیف کرده است.

۱- ف (ممن لا تفکر فیه) جب (ممن لا نقل فیه).

۲- جب در حاشیه دارد (در هفت منزل و هشتمین منزل را بر آن افزود. و من چندین نسخه دیده‌ام که نوشته بود در هفت منزل، و در مقدمه کتاب نیز هفت منزل را ذکر کرده. و من در يك نسخه دیدم که هشت منزل داشت و بخط دیگر نوشته شده بود. در کتاب السياسة که ترتیب منازل در آن ذکر شده منزل هشتم را ذکر کرده ولی در کتاب الخراج ذکر می‌از آن نشده، و از همین لحاظ جای تأمل است).

۳ و ۴- ف (ابن حماده).

۵- ف (فیروز بن ابی المهروان بن اردشیر بن بابک) ۶- کلواذان دهکده بود میان منطقه بغداد و مدائن، و در دوره عباسیان شهر مهمی گردید. (دلیل خارطة بغداد ص ۳۵).

(ابوالحسین)^۱

(اسحاق بن شریح کاتب ، نصرانی ... و این کتابها از اوست : کتاب الخراج - در) (هزار ورق . کتاب الخراج المعروف . در حدود دوست ورق . کتاب فی الخراج - کوچک) (در حدود صد ورق) .

ابراهیم بن عیسی

نصرانی، از نویسندگان و ادیبان ظریفی بود . و این کتابها از اوست : کتاب اخبار الحواری^۲ کتاب الرسائل .

ابوسعید وهب

ابن ابراهیم بن طازاد، (کاتب ، المطیع) . از کسانی است که او را دیده‌ام . فاضل و ادیب و مترسل بود . کتابهای نفیس را جمع آوری میکرد . و فطرتاً نیکوکار ، و از باقیمانده نویسندگانی بود که آنها را دیده‌ایم . و خاندان ابوالحسن^۳ بن طازاد بن عیسی از دست پرورده گان ابو جعفر بن شیرزاد بودند . وفات ابوسعید وهب در ... و این کتابها از اوست : کتاب الزیادات فی الكتاب الذی الفه (ابوه) ابراهیم . کتاب جمع فی اخبار الحله^۴ . و کتاب رسائل من بلاغته .

ابن نصر

ابوالحسن علی (بن نصر نصرانی ، بن طبیب ...) که چند ماه پیش در گذشت . و از ادیبان صاحب تصنیف بود ، و چندین کتاب دارد که درباره آنها با من مذاکره میکرد ، و گمان دارم که بیشترین آنها را پایان نرسانید . از کتابهای اوست : (کتاب ... ۶ الاخلاق - در حدود

۱- جب در حاشیه دارد (از اینجا - اشاره با ابوالحسین - تا اینجا - اشاره بصد ورق - بخط مصنف نیست) .

۲- ف (الخوارج) . ۳- جب (وهو ابوالحسن) ف (وبنو ابی الحسن) .

۴- ف (خالد) . ۵- جب در حاشیه دارد (بخط دیگری) .

۶- جب (کلمه ایست ناخوانا) .

هزار و پانصد ورق و بخط خود نوشته و با تصویر و مشتمل بر حکم و آداب است) ^۱. کتاب ادب ^۲ السلطان (بیش از هزار ورق) ^۳ کتاب البراعة .

ابن بازيار

ابوعلی احمد بن نصر بن حسین بازيار، ندیم سیف الدوله، و جدش نصر بن حسین، بسامراء کوچ کرده و بمعتضد پیوست، و اورا چنان خدمت کرد که دلش را بدست آورده بود، وی اصلاً خراسانی و کارش تربیت مرغان شکاری بود، و معتضد یکنوع از مرغان شکاری خود را بدست او داد. ابوعلی در حیات سیف الدوله در سال سیصد و پنجاه و دو در حلب وفات یافت. و این کتابها از اوست: کتاب تهذیب البلاغه . کتاب اللسان .

ابن زنجی (کاتب)

و او ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن زنجی کاتب است، و در خوش خطی مورد ستایش بود. از کتابهای اوست: کتاب رسائله . کتاب الکتاب والصناعة .

مرزبانی

ابو عبدالله ^۴ محمد بن عمران بن موسی بن سعید بن عبدالله، نژادش خراسانی، و آخرین نفری از اخباریان صاحب تصنیف است که ما دیده ایم، راویه ایست صادق اللهجه، و معرفت بسیاری بروایات دارد و مسموعاتش زیاد است. و تا این زمان که سال سیصد و هفتاد و هفت میباشد حیات دارد، و ما از خدادند بقاء و تندرستی اورا درخواست داریم ^۵ و وفاتش در سال سیصد و هشتاد و چهار بوده، و این کتابها از اوست:

کتاب المؤمنق - در اخبار شاعران مشهور دوره جاهلیت که چنین شروع شده: امرؤ القیس و طبقه او (و بشرح اخبارشان پرداخته). و مخضرمیان ^۶ و اسلامیانی که دنبال

۱- جب در حاشیه دارد (بخط دیگریست).
 ۲- ف (صحبة).
 ۳- جب در حاشیه دارد (بخط دیگری).
 ۴- ف (ابو عبدالله).
 ۵- جب در حاشیه دارد (از اینجا تا پایان شرح حال مرزبانی بخط مصنف نیست).
 ۶- مخضرمی کسی است که نیم از عمرش در جاهلیت و نیم دیگر در سلام گذشته باشد (اقرب الموارد).

آنان آمدند در هر طبقه که بودند. و جریر و فرزدق (و هم‌ردیفان آنها) را در صدر اسلامیان قرارداد و بهترین اخبار آنها را تا آغاز دوره عباسیان (که خداوند آنها را پایدار و مؤید و برقرار دارد) شرح داده است؛ و ابن هرمة، و حسین بن مطیر، و کسانی را ذکر کرده که اشعارشان مورد استشهاد است، و شماره اوراق آن بیش از پنجهزار ورق است.

کتاب المستنیر - در اخبار شاعران مشهوریکه بعد پیدا شده و شعر زیادی داشتند با منتخباتی از اشعارشان، بترتیب نسب و زمان آنان. و اولشان بشار بن برد، و آخرشان (ابوالعباس عبدالله) بن معتمر (بالله رضی الله عنهما) است و شماره اوراق این کتاب شش هزار ورق بخط مرزبانی در شصت جلد سلیمانی است^۱.

الکتاب المفید - دارای چندین^۲ فصل است. فصل اول مشتمل بر اخبار شاعرانی که در جاهلیت و اسلام لقبی^۳ داشتند. و اخبار کسانی که بکنیه معروف بوده، یا بکنیه پدر^۴ شهرت داشته، یا بامادرش شناخته شده، و یا بجدش نسبت داده شده، و یا بنام بردگانش خوانده شده، یا بسایر چیزهایی که از این قبیل میباشد. فصل دوم - در روایتهایی که درباره صفات شاعران و عیبهایی که در بدن و صورت داشتند، چون سیاهی، و کوری از یک چشم، یا دو چشم، و غشو و پیسی. و عیبهایی که در اعضاء بدن، از موی سر گرفته تا پاداشته‌اند. فصل سوم. در آئین و کیش شاعران چون شیعه، اهل کلام، خوارج، و متهمان ب مذهبی. و یهود. و نصاری و امثال آن. و آخرین فصل - در ذکر کسانی است که در جاهلیت برای تکبر و خودخواهی شعر گفتن را ترک کرده، و در اسلام برای پابندی بدیانت، از گفتن شعر پرهیز داشته. و یا برای تظاهر ببرتری، یا برای بزرگواری نفس، و یا برای عفت اخلاقی، از مدیحه‌سرایی، و هجو کردن، و عشق‌بازی و تغزل خودداری کرده، و کسانی که شعرشان در یک زمینه بوده، مانند سید بن محمد حمیری، و عباس بن احنف، و همانند ایشان. (که بیش از پنجهزار ورق است).

کتاب المعجم - و در آن شاعران را بترتیب حروف تهجی آورده و آغاز آن از کسانی است که اول نامشان الف و بعد آنهایی که اول نامشان ب، و بهمین منوال تا آخر حروف هجاء^۵ مشتمل بر پنجهزار نام، با ذکر پاره‌ای از اشعار مشهور هر یک از آنان. که از هزار ورق بیشتر است.

کتاب الموشح^۶ در چگونگی انتقاد علما از شعر برخی از شاعران از جنبه کسر^۸

۱ - ف (کتاب عدد ورقة عشرة الاف ورقة فی المسنین بخطه فی سلیمانی) .

۲ - ف (عدد فصول) جب (عدة فصول) .

۳ - ف (المقلین) جب (الملقبین) .

۴ - ف (والعمش) جب (والغشو) و غشو پرده‌ایست که روی قلب و چشم پیدا میشود

(اقرب الموارد) . ۶ - ف (اول اسمه الف الی حرف الیاء) .

۷ - ف (الموشح) . ۸ - کسر - نااستقامتی وزن شعر (اقرب الموارد) .